



زهیر اصفهانی، استاد دانشگاه و تحلیلگر سیاسی:
مسئولیت پذیری، بزرگترین ارمان احزاب



مهدی یوسف خانی، رئیس صنف فروشندگان مرغ کشور:
مشکلات به حدی است که به عنوان مسئول اتحادیه، از صنف امیزارم!

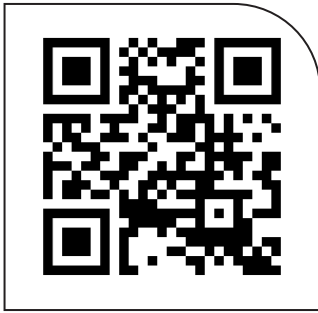


هفته نامه غیربرخط اراده ملت شماره ۵۶ چهارشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۱

هگل و ضرورت اعتراض

گفتگوی ویژه با مسعود خادمی
وکیل و عضو شورای مرکزی حاما

مبارزه برای زندگی
دو گانه حزب و تشکل
نظریه های خوب زیستن
لهستان! اصلاحات در محاق
حکمرانی حزبی و ضرورت گفتگو
بحران مدیریت یا مدیریت بحران
امیر کبیر! متفاوت با مردمان عادی و افراد مدعی



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱ / شماره ۵۶



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره:

راضیه گمار / زهرا کرد / زهره رحیمی

فائزه صدر / مهشید قاسمی / افشین فرهنگچی

پیام فیض / حامد نامجو / حسن اسدی / حسن غلامی

حمید سپهری / کاظم طیبی / فرد / کوروش الماسی

علی صابری / علیرضا مالیر / محمد بنی اسدی

محمد هادی خوش کلام / مرتضی صادقیان

مهدی تروهدید

نشانی:

خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن

بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است

به جای مقدمه: زمستان سخت و سرد

کلام مدیرمسئول: حکمرانی حزبی و ضرورت گفتگو

سخن سردبیری: هگل و ضرورت اعتراض

سر مقاله: در باب اهمیت محیط زیست

گفتگوی ویژه: تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری بر خلاف قانون اساسی تصویب گردیده است

۱۱..... نوشتار

بحران مدیریت یا مدیریت بحران

امیر کبیر؛ متفاوت با مردمان عادی و افراد مدعی

۱۴..... گزارش

مبارزه برای زندگی

لهستان؛ اصلاحات در محاق

۱۹..... اندیشه

نظریه‌های خوب زیستن

دوگانه تحزب و تشکل

۲۵..... گفتگو

مسئولیت‌پذیری، بزرگ‌ترین ارمغان احزاب

مشکلات به حدی است که به‌عنوان مسئول اتحادیه، از صنف‌ام بیزارم!

۳۰..... معرفی و پیشنهاد

چشم در چشم رؤیا با یست و بجنگ ...

جنبش ایده‌ها

چه زود هست‌ها بود می‌شوند

جوزف شومپتر و تخریب خلاق

بنیان‌های آموزش موسیقی، نظری به اندیشه‌های ادگار ویلمز

نغمه‌روسیپی

مردان و زنان عنکبوتی

تحقق هوای پاک، حقوق عامه، اراده ملی

۳۹..... نگاهی به رویدادهای اخیر جهان

۴۳..... اخبار حزب

صفحه آخر: سیاست به زبان خودمانی



زمستان سخت و سرد

بهمن ماه امسال در شرایطی آغاز شد که برودت و سردی هوا در چند سال اخیر بی سابقه بود. دمای هوا در بعضی مناطق آنچنان کاهش یافت که منجر به تعطیلی ادارات، مشاغل، مدارس و حتی دانشگاه ها شد. امیدواریم که بارش های هفته های اخیر و سرمای متعاقب آن لااقل برای سال آینده ذخیره آبی مناسبی را فراهم آورده باشد.

در این شماره نشریه مطالبی داریم در رابطه با امیر کبیر؛ بحران مدیریت؛ تاریخ لهستان؛ دوگانه تحزب و تشکل، نظریه فلسفی لذت

گرایی؛ محیط زیست؛ نظامات حزبی؛ و ضرورت و اهمیت اعتراض که امیدواریم باعث افزایش دانش و آگاهی خوانندگان عزیز شود. دو مصاحبه در مورد تحزب و موانع پیش روی آن و وضعیت صنف مرغ داران داریم و گفتگوی ویژه مان را با مسعود خادمی یکی دیگر از اعضا شورای مرکزی حاما انجام داده ایم. اخبار حزب و گزیده ای از اخبار بین المللی را نیز طبق روال تقدیم مینمائیم و شما را به خوشه چینی از گلچین فیلم، کتاب، عکس، اینفوگراف، موسیقی، شعر و ... دعوت میکنیم.

حکمرانی حزبی و ضرورت گفتگو



رحیم حمزه

rahimhamzeh@gmail.com

پس ضرورت دارد مدیریت کلان کشور ضمن تمهید سازوکارهای گفتگوی سازنده در سطح ملی که قبل از هر چیزی مستلزم پذیرش و به رسمیت شناختن دیگری و احیای طبقه متوسط با رویکرد تأمین منافع ملی و تقویت جامعه مدنی است که اکنون در بدترین وضعیت ممکن قرار دارد، باورمندی و پایبندی خود را به الزامات حکمرانی حزب در نظر و عمل به منصفه ظهور برسانند.

کجای کار می‌لنگد که نمی‌توانیم با هم گفتگو کنیم. مگر مدعی نیستیم امکان حل و فصل معضلات و مشکلات در بستر گفتگو فراهم می‌آید. پرواضح است که احزاب علی‌القاعده و بنا به ماهیت وجودی‌شان در سطح کلان کشور تنها راه برون‌رفت از معضلات و مشکلات پیشرو را استقرار حکمرانی حزبی بدانند لکن چگونه است که تلاش نمی‌شود بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری‌اش را که از جمله و بالضروره از رهگذر نهادینه‌شدن فرهنگ گفتگو علی‌الخصوص در سپهر پراشتاب سیاسی محقق گردد.

گفتگو از امور سهل و ممتنع است. در عین حال که به نظر ساده و آسان می‌رسد کار بسیار سخت و دیریایی بوده و مستلزم رنج‌بردن بسیار است. فضای امروز جامعه از هر سمت و جانی که نگرینسته شود مالا مال از انواع مرارت‌های ناشی از تجربه‌های زیسته‌ی متفاوت پراضطراب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و ... عبرت آموز است که در صورت انباشت روز افزون و فقدان اراده معطوف به تدبیر با هدف تعدیل، به مرز انفجار رسیده تبعات جبران ناپذیری برای این مرز و بوم در پی خواهد داشت.

گفتگو از امور سهل و ممتنع است. در عین حال که به نظر ساده و آسان می‌رسد کار بسیار سخت و دیریایی بوده و مستلزم رنج‌بردن بسیار است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

آنچه فلسفه از ضرورت وجود اعتراض برای پیشرفت جامعه و تاریخ پیش رویمان می آورد

هگل و ضرورت اعتراض

نکند. هر پدیده در تاریخ، به عنوان یک بر نهاد یا تز با یک پدیده متعارض به عنوان یک برابر نهاد یا همان آنتی تز مقابل و معارض می شود. برابر نهاد، در مقابل نهاد قرار می گیرد و آن را به چالش می کشد. چالش و تقابل این دو تا بر آمدن یک سنتز یا هم نهاد ادامه خواهد یافت، این رسم تاریخ است و قانون آن. همان گونه که هر قانون علمی دیگر، به عنوان یک رابطه پیشینی، قابل شناسایی و درک است، این رابطه و قانون علمی تاریخ، قابل مشاهده و تصدیق عقل است.

هگل برای تبیین و توصیف نظریه خود، شواهد متعدد تاریخی ارائه کرده. آلن دوباتن در کتاب "سرگذشت فلسفه غرب" تحلیل هگل از روند تاریخی را این گونه خلاصه کرده: نظام معیوب، سرکوبگر و ناعادلانه سلطنت موروثی را انقلاب فرانسه سرنگون کرده بود، انقلابی که پایه گذاران آن می خواستند به اکثریت مردم نقش و اثر گذاری مناسبی در نظام حکومتی بدهند. اما چیزی که باید تولد توأم با صلح و آرامش حکومت انتخابی می بود، در نهایت به بی نظمی و آشوب دوره وحشت انجامید. این وضع هم خود به ظهور ناپلئون منجر شد که نظم را باز گرداند و فرصت شکوفایی استعداد و توانایی را برای افراد فراهم آورد؛ اما او نیز گرفتار خودبزرگ بینی شد و به سرداری بی رحم بدل شد که با سایر بخش های اروپا ستمگرانه رفتار کرد و آزادی ای را که ادعای عشق به آن داشت، زیر پا له کرد. سرانجام قانون اساسی متوازن جدید پدید آمد. ترتیبی که میان نمایندگان از جانب عموم مردم و رعایت حقوق اقلیت ها و همین طور نوعی اقتدار مرکزی به طور متناسب تعادل برقرار میکرد. اما حل و فصل این مسئله دست کم چهل سال طول کشید و آن قدر خون ریخته شد که از اندازه بیرون است.

در این مثال هگل که به نقل از دوباتن آوردیم، به طور مختصر، برهم کنشی و دیالکتیک جریان های مختلف در روند تاریخی یک جامعه، برجسته شده که در نهایت منجر به پیشرفت و برقراری تعادل گردیده است. وقوع یک انقلاب، سیر آن تا اضمحلال، برآمدن نیروی متعارض متضاد، برهم کنش این دو جریان و در نهایت زاده شدن یک پدیده جدید که برآیند پدیده های قبلی بوده، قدمی روبه جلوست و حالتی است از تکامل و تعادل.

چنانچه می بینیم، در همین مثال و در کل دیالکتیک هگلی سه مفهوم کلیدی وجود دارد؛ روند تدریجی، اضمحلال و اعتراض.

در یک روند تدریجی است که یک پدیده تاریخی دچار ناکارآمدی و اضمحلال شده و با برآمدن اعتراض و مقابله در روند دیالکتیکی تاریخ به سوی تکامل طی طریق می کند. از میان این سه مفهوم، دوتای آن ها جبری و مقتضای زمان و شرایط است و به عبارتی غیر اختیاری است اما عامل سوم، اعتراض و اراده به مقابله و اصلاح، از اراده انسان و از اراده جمعی انسان ها به وجود می آید.

تا هنگامی که اراده فردی و جمعی برای اعتراض، مقابله و اصلاح امور

اگر نگوییم همه، اغلب مفاهیم، مضامین و مطالب منطقی و فلسفی از واقعیتی ساده و دم دستی حکایت دارند که از فرط بداهت ناپیدا به نظر می رسند، به مثابه کسی که ساکن ساحل دریاست و صدای دریا را مادامی که به دلیل خاصی توجهش را جلب نکند، متوجه نمی شود. آراء فلسفی را می خوانیم و با آن هایی همدلی پیدا می کنیم که در فکرمان مسبوق به سابقه بوده اند. هنر ارسطو و اعقابش همواره همین بوده که حقایق را بیان می کنند و به صورت مستدل پیش چشم عقلمان می نهند که شهود باطنی ما به واقعیت و تطابق آن ها با واقعیت شهادت می دهد.

در یک روند تدریجی است که یک پدیده تاریخی دچار ناکارآمدی و اضمحلال شده و با برآمدن اعتراض و مقابله در روند دیالکتیکی تاریخ به سوی تکامل طی طریق می کند.

شاید بعد از آنکه قاعده "جمع نقیضین محال است" را می خوانیم، به سادگی آن را تصدیق کنیم و حتی موارد و مصادیق بسیاری از آن را در افعالمان برشماریم، در حالی که تا پیش از آن به وجود چنین قانونی ملتفت نبوده ایم یا به صورت صریح به آن اذعان ننموده باشیم.

گرچه این نیز صحیح است که روند سیر تاریخی فلسفه و مجادلات فیلسوفان، مرحله به مرحله و آرام آرام گفتمان فلسفی را به سویی برده که بیشتر از تلاش برای عیان نمودن و واقعیات شديدا ظاهر و بدیهی، فلاسفه در تلاش اند مدعاهایی را به اثبات برسانند که چنانچه در یک مجموعه مدعاهای طراحی شده او و در کنار گزاره های آن قرار گیرند، نظام فلسفی خاصی را بسازند تا از این رو باعث ایجاد جهان بینی و ایدئولوژی مطلوبی گردند، اما همچنان در پس پشت همین نظام های فلسفی مغلق و پیچیده، مفاهیم و مصادیق بدیهی نهفته است.

از پیچیده ترین، مغلق ترین و دور از ذهن ترین دستگاه های فلسفی، فلسفه و تفکر هگلیستی است که از همین رو نیز به مثابه یک مثال و ضرب المثل در غامض گویی درآمده. اما ایدئالیسم و اصالت تاریخ مورد نظر هگل نیز از یک منشأ ساده و مورد تصدیق همگان سر برآورده است.

دیالکتیک معروف هگل، یعنی تقابل تز و آنتی تز تا ظهور سنتز، چیزی نیست که هر انسانی با حداقل انباشته تاریخی آن را تصدیق



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

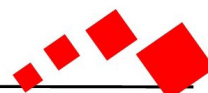


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

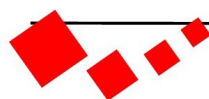
شماره ۵۶
۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

به وجود نیاید، هر چه اضمحلال و ناکارآمدی یک سیستم و نظام در روند تاریخی که امری است محتوم، بیشتر گردد، بدون وجود عامل اعتراض و مقابله نمی تواند به سوی اصلاح و تکامل حرکت کند.

حال به سخن آغازینمان باز می گردیم. برای هر کسی پیداست که تا اعتراض و اراده اصلاح امور وجود نداشته باشد، تکامل و پیشرفت در امور اتفاق نمی افتد چون بنا بر هزاران علت مادی و غیر مادی، هر پدیده مادی، انسانی و تاریخی به سوی فساد و ناکارآمدی سیر می کند و در روند تاریخ مندی خود، روزی و در نقطه ای از تاریخ از کار می افتد، یا حتی به نقیض خودش مبدل می گردد.



اشتباه حاکمان در کتمان اعتراض و بهره نبردن از آن برای پیشرفت، نباید معترضان را در دام افکند، اعتراض به معترضان نیز سازنده و تکامل دهنده است.



همه می دانیم و اذعان داریم که اعتراض و نقد باید وجود داشته باشد و حتی حقی از حقوق افراد و جوامع است. اما در عمل، به این نکته که حتی برای پیشرفت به اعتراض احتیاج داریم، واقف نیستیم و اعتراض ها را در ده آسیب ها طبقه بندی می کنیم.

البته این سخن به معنای مفید بودن و آسیب زا نبودن جملگی اعتراضات نیست. منظور این است که اعتراض و مقابله و برهم کنش نیروهای متقابل، لازمه پیشرفت و حرکت روبه جلوی تاریخ است. باید توجه داشت که خود اعتراض نیز یک امر تاریخی است و مشمول

قانون دیالکتیکی سیر تاریخ می شود. ادامه جریان یک اعتراض، استمرار آن در بسترهای غیر معقول و حتی بدون مقابله ماندن آن، خود همین اعتراضات را که پدیده ای تاریخی هستند، در روند اضمحلال تدریجی قرار می دهد.

بسیاری از بزرگان معنوی و دینی سراسر تاریخ را می شناسیم که از اعتراض استقبال می کرده اند. همین گشاده رویی برخاسته از یک بصیرت فکری است و فلسفه آن را قاعده مند، کشف و بیان کرده. اگر حاکمان مقتدر عاقل، در قامت اسطوره های عدالت، رو اداری به خرج داده اند، فقط و فقط از سر شفقت و نوع دوستی ایشان نبوده. آن ها در ضمیر خود به ضرورت وجود اعتراض باور داشته اند و نیاز خود را به وجود اعتراض ها برای پیشرفت کتمان نمی کرده اند.

اگر ایشان اعتراضات را تا جایی که به نقیض خودشان بدل نشده اند سرکوب نکرده اند، این عملشان علاوه بر ابتنا بر یک فضیلت اخلاقی، نتیجه یک تفکر مصلحت اندیشانه، ترقی خواه و کمال طلب هم بوده.

سرکوب و کتمان اعتراض، روند آن را در سیر تاریخی استمرار می بخشد و این یعنی فرو افتادن همین پدیده در آنچه زایش خودش را باعث شده؛ یعنی افتادن همان اعتراض در روند اضمحلال تدریجی. بنابراین، چنان که فلسفه از میان آگاهی های مستمر تفکرمان برایمان مکشوف می دارد، استقبال از اعتراض امری است کاملاً عقلانی و حتی فایده من دانه. این نه فقط نسخه ای است برای حاکمان و صاحبان قدرت، بلکه دیالکتیک تاریخ ضرورتی است که حتی معترضان و تحول خواهان نیز می باید به آن التفات کنند.

اشتباه حاکمان در کتمان اعتراض و بهره نبردن از آن برای پیشرفت، نباید معترضان را در دام افکند، اعتراض به معترضان نیز سازنده و تکامل دهنده است. دیالکتیک هگل و شواهد تاریخی موید آن نشان داده اند که از میان دو جریان رقیب، آنی به نتیجه می رسد که در سیر تدریجی تاریخ، در مقابله و معارضه با رقیبش به بازسازی مستمر خویش مبادرت ورزد.



در باب

اهمیت

محیط زیست

از آلوده سازی خاک (از طریق کاهش مصرف کود و سموم شیمیائی)، آب (از طریق کاهش مصرف شوینده ها و فلزات سنگین) و هوا (از طریق کاهش مصرف سوخت های فسیلی) اجتناب ورزیم.

در قدم سوم به آگاه سازی جامعه و اطرافیان در مورد مسائل زیست محیطی پردازیم و توجه آن ها را به این مسائل و مشکلات جلب نماییم. بعضی از معضلات قابل دیدن و لمس کردن توسط تمام افراد هستند، مثلا کمبود یا قطعی آب را همه افراد حس می کنند ولی بسیاری از مسائل زیست محیطی این گونه نیستند و لازم است که در مورد آن ها گفتگو صورت گیرد. مثلا درصد کمی از جامعه می داند که ایران بالاترین درجه آلودگی خاک و بیشترین میزان فرسایش خاک را دارد و اگر در این رابطه اقدامی نشود به وضعیت بیابان زایی می رسیم. همان گونه که الان نیز در بسیاری از مناطق کشور این پدیده در حال رخ دادن است. یا فرایند فرونشست زمین که در مرحله فاجعه آمیزی است و در بسیاری از دشت های ایران در حال رخ دادن است. لازم است که افراد بیشتری در مورد این مسائل آگاه شوند و فکر کنند. اگر تعداد کسانی که به آگاهی عمیق می رسند زیاد باشد آن وقت می توان امید داشت که این روند فاجعه بار شاید متوقف شود.

در قدم چهارم بعضی از ما می توانیم به طور رسمی یا غیر رسمی همراه با فعالین محیط زیستی و در قالب تشکل های محیط زیستی فعالیت کنیم. این تشکل ها نهادهایی هستند که به طور علمی و داوطلبانه شکل گرفته اند تا به شیوه های مختلف پاسدار محیط زیست کشور باشند. علی رغم بی مهری هایل که نسبت به آن ها صورت می گیرد، دستاوردهای ایشان بسیار قابل توجه بوده است و در دهه های اخیر توانسته اند جنبشی زیست محیطی را در کشور ایجاد کنند. این جنبش به دلایل مختلف در سال های اخیر ضعیف شده است و اگر از آن حمایت لازم صورت نگیرد رو به اضمحلال می رود و نمی تواند اثرات خودش را داشته باشد. شاید هر کدام از ما اقدامات اولیه را انجام دهیم ولی برای اثرگذاری بیشتر لازم است که این اقدامات را در قالبی تشکیلاتی بریزیم و به آن ها جهت دهیم. تشکل های زیست محیطی این کار را برای ما تسهیل می کنند.

و نهایتا در قدم نهائی، مطالبه گر باشیم و بر دولت و حاکمیت برای پاس داشت این میراث بین نسلی فشار بیاوریم. این منابع از نسل های قبلی به ما رسیده است و ما باید لااقل بخشی از آن ها را برای نسل های بعد باقی بگذاریم. متولی اصلی این انتقال ما مردم هستیم و دولت به عنوان کارگزار مردم باید این خواسته ما را عملیاتی نماید. گرچه دولت های مستقر در ایران خیلی وقت ها خود را بی نیاز از مردم می دانند ولی این ما مردم هستیم که لازم است به شیوه های مختلف این مطالبه را از دولت ها بخواهیم و آن ها را ملزم نماییم که برای نگهداری و بهبود محیط زیست کاری کنند. اگر امروز نتوانیم دولت را متوجه نقش خودش در این زمینه نماییم فردا خیلی دیر خواهد بود.

در سرمقاله شماره پیشین نشریه اراده ملت به این بحث پرداختیم که در شرایط پیچیده فعلی و با توجه به اینکه دولت مستقر وظایف بدیهی خود در بعضی از حوزه ها را انجام نمی دهد؛ و از طرفی گوش شنوایی نیز نسبت به انتقادات ندارد و حاضر نیست تن به نظرات متخصصین امر بدهد؛ لازم است که مردم و جامعه مدنی خود به این حوزه ها توجه نمایند. اولین حوزه ای که لازم دیدیم در مورد آن صحبت کنیم حوزه آموزش بود. در این شماره می پردازیم به حوزه دوم یعنی محیط زیست. طبق آمارهای ارائه شده از سوی مراجع مختلف دولتی و غیردولتی وضعیت محیط زیست و منابع طبیعی کشور در شرایط مناسبی نیست. منابع آبی بشدت محدود و آسیب پذیر شده اند، آلودگی هوا و خاک در بالاترین حد هستند، گسترش موزونی در مناطق حفاظت شده دیده نمی شود، تنوع گیاهی و جانوری کشور در خطر قرار دارد، استفاده از منابع طبیعی در حداکثر وضعیت خود قرار دارد و از همه مهم تر اینکه برنامه جامعی برای بهبود وضعیت محیط زیستی کشور وجود ندارد و دولت به علت فشارهای میشتی، فشار بر عرصه های طبیعی را بیشتر کرده است. در این چنین شرایطی ما مردم چه اقداماتی می توانیم انجام دهیم:

مطالبه گر باشیم و بر دولت و حاکمیت برای پاس داشت این میراث بین نسلی فشار بیاوریم

در قدم اول لازم است که فشار بر عرصه ها را کم کنیم. برای این کار می توانیم مصرف آب و انرژی خود را مدیریت نماییم و آن ها را به شرایط متعادل برسانیم. اگر در حوزه کشاورزی یا باغداری فعالیت می کنیم از گسترش غیرمنطقی سطح زیر کشت یا کشت ها و برداشت های متعدد خودداری نماییم. این کار فرصت تنفسی به این عرصه ها می دهد تا بتوانند خود را جایگزین نمایند و از حالت غیرقابل برگشت بیرون بیایند.

در قدم دوم لازم است تلاش کنیم که حداقل میزان زباله را تولید کنیم و آلاینده های محیطی را به کمینه ترین حالت مقدور برسانیم. با توجه به اینکه صنایع بازیافت گسترش کافی در کشور نیافته اند و بسیاری از این صنایع احتیاج به تکنولوژی بالائی دارند لذا ما مجبور هستیم تولید زباله را محدود کنیم. لذا چه در سطح فردی و چه در سطح خانوادگی و سازمانی تلاش خود را بکار بندیم تا زباله کمتری تولید شود و در مرحله بعد نیز تلاش کنیم که این زباله های تولیدی را به سیستم بازیافت تحویل نماییم. آلاینده های محیطی نیز مشکل دیگری هستند و لازم است در حد امکان



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

گفتگوی ویژه با مسعود خادمی وکیل و عضو شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران

تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری برخلاف قانون اساسی تصویب گردیده است



حمید سپهری

Miladsepehr00@yahoo.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

حاکمیت و مردم به نوعی آینده سیاسی جامعه را در حاله‌ای از ابهام فرو برده است و مشخص نیست که این ابهام چگونه برطرف و به سود کدام یک از طرفین منازعه خاتمه می‌یابد. مسعود خادمی تحصیل کرده رشته حقوق وکیل دادگستری و عضو شورای مرکزی حزب اراده ملت است، مصاحبه پیش رو تلاش داشته تا به بررسی این اعتراضات از دیدگاه یک کنشگر عرصه عمومی به نقش احزاب سیاسی توانمند و فراگیر در جامعه بپردازد.

اعتراضات اخیر در کشور نشان دهنده اوج گیری مطالبات و پیگیری این مطالبات از طرف مردم است. انباشته مطالبات پاسخ داده نشده موجب شده است که چند سالی عرصه عمومی کشور دستخوش نارضایتی‌های مردمی و به چالش کشیدن حاکمیت باشد. حاکمیت هر چقدر که در پاسخ دادن به مطالبات مردم ناتوان تر و ضعیف تر باشد موجب عمیق تر کردن شکاف بین حاکمیت و ملت می‌گردد. همراه شدن این اعتراضات با موجی از خشونت‌ها از طرف



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

اهمیت و ضرورت رعایت این تشریفات در تحقیقات و رسیدگی به اتهام افراد به حدی است که در بعضی مواقع قانون گذار صراحتاً عدم رعایت آنها را موجب بی اعتباری تحقیقات و نقض حکم صادره دانسته است. مثلاً اگر در حین تحقیق از متهم، سؤالات حتی به صورت تلقینی باشد؛ مانند اینکه بازجو انجام تخلف را مفروض بداند و طوری سؤال نماید که متهم با پاسخ به سؤال ضمن تأیید اتهام فقط ممکن است دفاعیات دیگری مانند توجیه علت ارتکاب عمل یا عدم قصد و ... را اعلام نماید به علت تلقینی بودن سؤال، آن بازجویی بی اعتبار و رایبی که بر اساس آن صادر شده است نیز نقض خواهد شد.

در این شرایط که چنین وسواس و دقتی در رسیدگی به اتهام افراد در قوانین ما و حتی احکام شرعی اسلام وجود دارد متأسفانه مراجع قضایی در رسیدگی به اتهام بعضی از متهمان با شتاب زدگی اقدام به تحقیق و صدور و اجرای حکم نمودند که باعث ایجاد شبهه قابل توجه در سطح عمومی جامعه و همچنین اساتید حقوق نسبت به صحت و دقت در آرای صادره گردید. البته با توجه به اینکه یکی از اهداف مجازات ها در حقوق کیفری، بازدارندگی دیگران است، به نظر این ویژگی در آرای صادره، به هدف اصلی تبدیل گردید. از طرف دیگر عدم پذیرش وکلای انتخابی از طرف دادگاه ها، باعث ایجاد حس منفی نسبت به این رسیدگی ها می گردد.

تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، حضور وکیل را در پرونده های امنیتی منوط به وکلایی نموده است که مورد تأیید قوه قضائیه باشند، این موضوع شائبه محدود نمودن متهمین در دسترسی آزاد به وکلا را ایجاد کرده است. در این باب نظر و پیشنهاد شما چیست؟

اصل سی و پنجم قانون اساسی برای طرفین پرونده در همه دادگاه ها صراحتاً حق انتخاب وکیل را مقرر نموده است. این اصل یعنی هیچ کس حق ندارد اولاً طرفین پرونده را از داشتن وکیل محروم نماید و مهم تر از آن به ویژه متهم حق دارد هر وکیلی را که خودش صلاح می داند، برای دفاع از خود انتخاب نماید و متأسفانه تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری برخلاف قانون اساسی تصویب گردیده است و همان طور که مقامات قوه قضائیه بارها اعلام نمودند، این تبصره نقطه ی ضعف سیستم حقوقی ما است.

دلایل در خصوص غلط بودن این تبصره متعدد است. برای انتخاب وکیل باید حس اعتماد و احترام بین موکل و وکیل وجود داشته باشد و موکل این اطمینان را داشته باشد که وکیل انتخابی با نهایت حسن نیت تمام تلاش خود را می کند تا از حقوق وی دفاع نماید اما همین که قدرت انتخاب وکیل را به طور کامل نداشته باشد اگر نتیجه بر علیه وی باشد حتماً یکی از دلایل مؤثر در حکم را عدم امکان انتخاب وکیل به صورت آزادانه می داند.

از طرف دیگر چگونه قابل توجیه است که دستگاهی و مرجعی که ما را متهم نموده خودش بیاورد و وکیل انتخاب نماید تا از ما دفاع نماید. این موضوع باعث ایجاد حس فرمایشی بودن رسیدگی می گردد.

جناب خادمی به نظر شما ریشه اعتراضات اخیر در کشور چیست و نقش احزاب در فضای سیاسی کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

در مورد این سؤال باید گفت که انسان ها در زندگی خود دارای روابط خصوصی با هم هستند و یک سری مناسبات و روابط به واسطه زندگی جمعی، بخش عمومی زندگی انسان ها را تشکیل می دهد و فعالیت در عرصه عمومی که بارزترین نوع آن سیاست و سیاست ورزی است که از انواع این کنش ها می توان کنش های سیاسی جمعی را نام برد که در همه کشورهای توسعه یافته به خاطر اینکه ذات این نوع کنش ها مدرن است و الزامات خاص خود را دارد، کنش سیاسی به صورت فردی ممکن است صورت بگیرد؛ ولی تأثیرگذار نیست؛ زیرا در عرصه عمومی و سیاسی کنش انسان ها در قالب تشکلهای سیاسی و شخصیت حقوقی معنا پیدا می کند و در قالب انجمن ها، اصناف، و احزاب صورت می گیرد اینک جامعه ما هنوز نتوانسته است در کنش های جمعی در عرصه عمومی تأثیرگذار باشد به مسائل زیادی از جمله مسائل فرهنگی و فرهنگ سیاسی مرتبط است؛ ولی کنش سیاسی در قالب احزاب یکی از الزامات و امکانات دموکراسی است.

اصولاً کار سیاست کار احزاب است احزاب با رصد کردن اوضاع عمومی و سیاسی کشور در خصوص اهدافی که برای خود متصور هستند دست به اقدام می زنند و در پاره ای از مواقع انتقاد و ارائه راهکار به حاکمیت می دهند و این موجب رشد و ارتقای نظام مدیریت عمومی جامعه می شود.

بی شک امروز اگر ما احزاب قوی مستقل و سازمان یافته با پایگاه های مردمی داشتیم خیلی بهتر می شد که مطالبات مردمی را نمایندگی کرد و برای حصول نتیجه مناسب در زندگی عمومی جامع و امروز بیشتر از هر زمان دیگری نبوده احزاب مستقل از حاکمیت و دارای پایگاه مردمی به چشم می خورد در همین اعتراضات اگر احزاب سیاسی به معنای واقعی وجود داشتند بهتر و قطعاً کم هزینه تر می شد اعتراضات مردمی را برای رسیدن به وضعیت مطلوب و گذر از وضعیت اکنون مدیریت کرد و جامعه دستاوردهای مهم و مطلوب تری به دست می آورد.

چند هفته بعد از شروع اعتراضات سراسری به درگذشت خانم مهسا امینی، قوه قضائیه شروع به برگزاری دادگاه برای معترضین نمود. به توجه به اینکه شما وکیل هستید نظرتان نسبت به زمان و شیوه برگزاری این دادگاه ها چیست؟

مکاتب مختلف کیفری، به اقتضای منظر فکری خود اهداف متفاوتی برای اعمال مجازات برای مجرمین و ناقضان قانون اعلام نموده اند که از انتقام و تنبیه مرتکب، اجرای عدالت، عبرت دیگران تا فایده اجتماعی و اصلاح مرتکب را شامل می شود. در عین حال سال ها است سیستم های حقوقی برای جلوگیری از اجحاف در حق متهمین، مقرراتی را وضع و لازم الاجرا نموده اند تا بدین وسیله از ظلم به متهمان جلوگیری نمایند.

زیرا، اولاً بسیاری از کسانی که متهم می شوند در جریان تحقیقات و رسیدگی مشخص می شود که در واقع مجرم نبوده و منع تعقیب یا تبرئه می شوند. از طرف دیگر، تطبیق مجازات مناسب با عمل ارتكابی از دیگر مواردی بوده که بر ضرورت تعیین تشریفات و آیین رسیدگی به اتهام افراد تأکید گردید.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

ضمن اینکه یکی از انگیزه‌های وکیل برای دفاع از موکل، جلب اعتماد وی و حسن شهرت برای دعاوی دیگر است. زمانی که اراده افراد در انتخاب وکیل تأثیری ندارد، بالتبع انگیزه وکیل نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

ضمن اینکه وکلای انتخاب شده؛ چون به واسطه لطف مقام قضایی و نه بر اساس توانایی و شایستگی خود یا اعتماد و انتخاب موکل، در این موقعیت قرار گرفته است، به جای تلاش برای جلب رضایت موکل، باید حواسش باشد که برخلاف نظر مقام منصوب کننده عملی انجام ندهد که مبادا از مزایای حضور در این لیست در آینده محروم گردد. همان طور که در بعضی موارد شنیدیم که وکلای انتخابی برای متهمان اخیر، بعضاً پاسخگوی تلفن متهمان و خانواده ایشان نبودند.

علی‌رغم اینکه نص صریح قانون، این موضوع را منحصر به مرحله تحقیقات مقدماتی کرده است، اما شاهد این هستیم که در بعضی از شهرها، این موضوع به سایر مراحل نیز تعمیم پیدا کرده است. در این رابطه اخیراً تعدادی از وکلای نیز نامه سرگشاده‌ای را به ریاست قوه قضائیه نوشته‌اند. در این رابطه نظر شما چیست؟

خب همان طور که قبلاً بیان کردم، در حال حاضر جنبه تنبیهی و بازدارندگی مجازات‌ها، به هدف اصلی در رسیدگی‌ها و صدور حکم قرار گرفته است.

با توجه به اینکه احتمالاً در تحقیقات مقدماتی و بازجویی‌ها برخلاف قانون عمل گردیده و مثلاً اقرارها از اعتبار قانونی برخوردار نیست، حضور یک وکیل مستقل و توانمند موجب به چالش کشیدن همه‌ی دلایل و تحقیقات قبلی علیه متهم می‌تواند باشد. در این موارد شاید بعضی از مراجع قضایی ترجیح می‌دهند که از وکلای مندرج در لیست قوه قضائیه انتخاب نمایند تا در این موارد کمتر با چالش روبرو گردند.

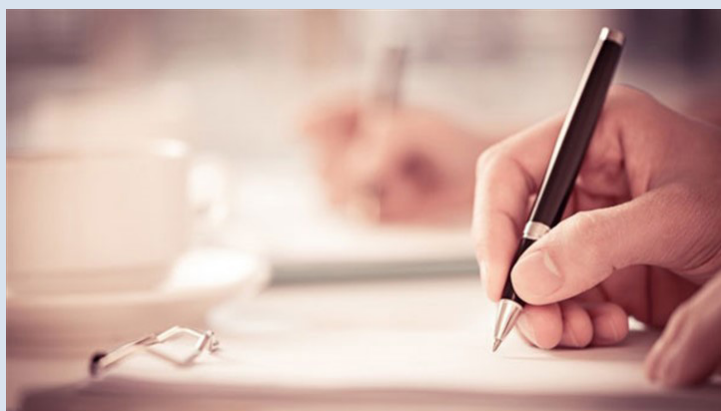
هر چند صراحت قانون اشاره دارد که لزوم استفاده از وکلای مندرج در لیست انتخابی قوه قضائیه منحصر به مرحله تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌ها می‌باشد و اداره حقوقی قوه قضائیه هم به درستی به آن تأکید نموده است ولی عدم توجه بعضی از دادگاه‌ها به صراحت قانونی و عدم پذیرش وکیل انتخابی متهم در مرحله رسیدگی، موجب اعتراضات گسترده در میان اساتید حقوق گردیده که یک نمونه از آن مکاتبه با رئیس قوه قضائیه است. البته این مورد از موارد تخلف قضات مذکور و حداقل می‌تواند باعث محکومیت‌های انتظامی ایشان گردد



ماده 48 قانون آیین دادرسی کیفری



نوشتار





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶
۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

بحران مدیریت یا مدیریت بحران



محمد بنی اسدی

(کارشناس ارشد مهندسی صنایع)

۱۰.۷ درصد افزایش یافته و در ماه های سرد زمستان به ۱۲ درصد رسیده است. این رقم تقریباً دو برابر میانگین افزایش تولید گاز در شش سال گذشته است. واضح است با این افزایش تقاضا، کشور قادر به تأمین نیازهای داخلی و صادراتی نیست.

در حالی که کشورهایی چون روسیه، قطر و جمهوری آذربایجان علی رغم تأمین نیازهای داخلی، در دهه اخیر از فروش گاز به ثروت هنگفتی رسیده اند. برای مثال میدان گازی مشترک پارس شمالی که میان ایران و قطر به صورت اشتراکی مدیریت می شود یک فرصت تجاری فوق العاده برای قطر ایجاد نموده و با بهره برداری از آن در بازار فروش رشد قابل ملاحظه ای داشته است. اما ایران همچنان توان بهره برداری از این میدان عظیم ذخایر گاز را ندارد.

نرخ تولید سالانه گاز ایران
میلیارد مترمکعب



در واردات گاز نیز کشورهای همسایه مانند ترکمنستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان با ایران همکاری نموده و علی رغم وجود دومین ذخایر گازی جهان، ایران ملزم به واردات این منبع انرژی است. طبق آمارهای موجود کشور ترکمنستان مبلغی حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان معادل ۱.۵ میلیارد دلار جهت صادرات گاز به ایران دریافت نموده است.

در انتها پرسش این است که چرا وزارت نفت به جای کاهش صادرات، بررسی برنامه هایی در راستای افزایش تولید و بهره برداری حداکثری از میدان های گازی بکر، فرهنگ سازی الگوی مصرف و...، بحران کمبود گاز را به جای مدیریت مطلوب و اصولی با تصمیم گیری های مقطعی چون توزیع ۱۷۰۰۰ بخاری برقی به بحرانی دیگر تبدیل کرده و به جای ایجاد فرهنگ مصرف انرژی، طرحی چون پرداخت قبوض برق مشترکینی که قطعی گاز داشتند را مطرح می نماید.

آیا وظیفه وزارت نفت است طبق مبنای مدیریت بحران در فاز پیشگیری از وقوع بحران، طرح های جایگزین سنجیده ای تدوین نماید یا هر ساله در این فصل بحران مدیریت در تأمین و توزیع گاز را به نمایش بگذارد؟

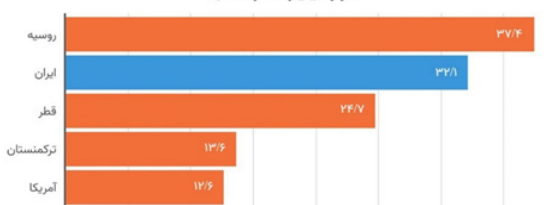
ایران با وجود دارا بودن دومین ذخایر گازی جهان، در سال های اخیر با نزدیک شدن به فصول سرما با معضل تأمین پایدار گاز مواجه بوده و در بعضی از نقاط کشور، هموطنان چندین روز و ساعت را بدون گاز سپری نموده اند. بسیاری از صنایع سنگین و ابر تولید کننده های صنایع فلزی با قطعی گاز روبه رو شده و نرخ تولید فولاد کشور با روند نزولی همراه گردید. اما سؤال اینجاست که ایران با وجود دارا بودن دومین ذخایر گازی جهان،

بحران یعنی عدم توانایی در ایجاد تعادل (عدم انطباق) بین منابع و نیازهای موجود.

چرا از تأمین پایدار گاز مصرفی خانگی و صنایع عاجز است؟ در پاسخ باید نگاهی به مفهوم بحران بیندازیم: بحران یعنی عدم توانایی در ایجاد تعادل (عدم انطباق) بین منابع و نیازهای موجود. طبق آمارهای منتشر شده در "پایگاه داده ایران" در شش سال آخر درصد سالانه تولید گاز ایران به استثنای سال ۲۰۲۰ رو به کاهش بوده است. این رقم از ۸.۵ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۲.۹ درصد در سال ۲۰۲۱ رسیده است. همچنین درصد پایین افزایش تولید گاز در سال ۲۰۲۱ (۲.۹ درصد) به طور فزاینده ای نگران کننده است؛ زیرا این رقم نیمی از میانگین شش سال قبل (۵.۸ درصد) است.

ذخایر گاز طبیعی در جهان

هزار میلیارد مترمکعب



شرکت ملی نفت ایران مدعی است در سال ۲۰۲۱ تقاضا برای گاز به



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

امیر کبیر؛ متفاوت با مردمان عادی و افراد مدعی



حسن اسدی

سه، امیر کبیر معتقد بر آن بوده که نمادهای فرهنگی جامعه باید توان به زیر مهمیز نقد بردن و اصلاح ساختار مسلط حاکم را داشته باشد. بدون اغراق امیر کبیر را می توان عنصری آگاه از مجموعه حاکمیت دانست که با همه دانایی که از مزه رانت و لابی داشت و می توانست به راحتی از آن ها برخوردار باشد پشت پا به همه آن ها زد؛ زیرا که معتقد بود تعالی و توسعه ای که متمایز و متفاوت بودن را در پی داشته باشد، تنها از طریق به چالش کشیدن قدرت مسلط (البته ثابت و مخالف با تغییر) ممکن می شود و این اتفاق نمی افتد مگر آنکه محدودیت ها و گرفتاری های بعد از ورود در میدان مبارزه شناخته و پذیرفته شود. چهار، امیر کبیر معتقد بود که ایدئولوژی نباید همه هویت فردی و اجتماعی را از آن خود کند. او نیک می دانست که فرایند دوام و تحول در قالب فهم از کیستی ممکن می شود و کیستی مفهومی است که با آشنایی از گذشته و دریافت مسئولیت در قبال آینده معنای می گردد و از این رو بود که ضمن احترام به همه پیوندهای اعتقادی و آیین های ملی به ارتباط با علم و رفاقت با تحولات روی خوش نشان می داد و آرزو داشت که هویت ملی ایرانی مطابق با شرایط روز جهانی شکل گرفته و تبلور یابد.

با این تفاسیر موجز می بینیم که امیر کبیر فردی آشنا به همه مسئولیت های فردی و اجتماعی خود بوده و برای عمل بدان ها هیچ گاه متوسل به برداشتی دگم و منفصل از زمان و آنچه در جهان می گذرد نگشته است و همین تفاوت و شاید تفاوت های بسیار دیگری که ممکن است در آینده بدان ها دست بیابیم بوده است که او را از مردمان معمولی و البته مدعی متفاوت ساخته است، روحش شاد و راهش جاودانه باد.



همیشه برای من سؤال بوده که به چه سبب نام امیر کبیر در تاریخ ایران این گونه متجلی و معتبر است؟ برای پاسخ به این سؤال بسیار تلاش داشته ام و با همه دست آوردهای که حاصل مطالعاتم بوده به این مهم رسیده ام که تفاوت امیر کبیر با مردمان عادی که ادعای تاریخی بودن داشته و دارند در موارد ذیل است:

یک، متفاوت بودن بار معنایی مفاهیم و اتخاذ مواضع متناسب با آن ها در نزد امیر کبیر، تا جایی که این امر به تفاوت در فهم از بایدها و نبایدهای انجامد. برای نمونه برخلاف باور مسلط و حاکم که هر چیزی را منتهی به دستور و خواست ملوکانه می کند امیر کبیر در یافتن راه بر این مهم متکی می دارد که بگوید همه دستاوردها می باید بر آمده از بکار گرفتن همه افکار و اندیشه ها و صدا البته که با برهم زدن بساط انحصار و مصادره به دست آید تا در لوای آن (به ادبیات امروزی) شرایطی فراهم آید که در آن کنش جمعی با تکیه بر آگاهی و پذیرش مسئولیت عواقب توسط همه مردم صورت گیرد؛ یعنی طوری نباشد که مجموعه ای محدود با توجه به رانت های حاصل از قدرت بی اندازه تصمیم هایی را اتخاذ کند و عملیاتی سازد و تا مشکلی پیش آمد و نارضایتی بروز کرد، همه عاملان پای از معرکه بیرون کشند و با علم کردن منویات ملوکانه مسئولیت را متوجه شاهی بکنند که مردم نمی توانند بر او خرده بگیرند.

دو، تلاش امیر کبیر برای تولید باور هایی که توان تحقق و دفاع از آن ها وجود داشته باشد. به تحقیق امیر کبیر را می توان مصداق روشن نخبه و فرهیخته ای واقعی و واقع بین

امیر کبیر معتقد بر آن بوده که نمادهای فرهنگی جامعه باید توان به زیر مهمیز نقد بردن و اصلاح ساختار مسلط حاکم را داشته باشد

تلقی کرد؛ زیرا که او با شناختی که از زمان و شرایط پیرامونی خود دارد تلاش می کند تا فعالیت خویش را در دو عرصه اتکای بر خواست وارده ملی و کاستن از نفوذ و سلطه خارجی به نحوی به انجام برساند که در آن نه بلندپروازی های کور، منابع فراوانی را به هدر دهد و نه ثبات و ترس باعث بقای عقب ماندگی شود. از این روست که با اعزام دانش آموز به خارج می کوشد تا مطابق با ادبیات امروزی ما که در آن گفته می شود: عمل اجتماعی موفق، عملی منبعث از دسترسی به آگاهی مشترک از آرزوها و مطالبات نو و تحول یافته است که به ایجاد احساس همدلی منجر می شود، همدلی که از متن آن منشوری و یا میثاقی بیرون می آید که همگان را به پیروی از خود وامی دارد، جامعه ای را بسازد که محوریت عمل در آن بر آگاهی و فهم علمی از شرایط و محیط پیرامون باشد تا از هم کوشی عالمانه جمعی باور هایی تولید شود که با داشته های محدود جامعه بشود از آن دفاع کرد.



گزارش





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

مبارزه برای زندگی



زهرا کورد

kordzari1@gmail.com

است. اما با این وجود من هرگز جریان مبارزه و اعتراضات اجتماعی را خاموش نمی بینم و منافاتی هم بین این جریان و زندگی روزمره قائل نیستم. چراکه این قبیل حرکات اعتراضی نظیر آتش زیر خاکستر باقی می ماند و با جرقه ای، مجدد شعله ور می شوند.

تاریخ نشان داده است که شعله های آتش زیر خاکستر را احزاب و نهادهای مدنی پرفروغ و مانا نگه می دارند

نقش احزاب

خلیلی پور، مشاور شورای مرکزی اما در رابطه با نقش احزاب در تداوم مطالبه گری و حفظ مشی آزادی خواهی در جریان زندگی روزمره معتقد است: تاریخ نشان داده است که شعله های آتش زیر خاکستر را احزاب و نهادهای مدنی پرفروغ و مانا نگه می دارند. در واقع این احزاب هستند که می توانند با آگاهی مردم و همراه کردن آن ها، این جریان تاریخی را تداوم بخشند.

خلیلی پور "در رابطه با" رویکرد حاکمیت در مواجهه با احزاب که اغلب در جهت تضعیف و یا حذف آن ها عمل می کند گفت: در چنین شرایطی که از یک سو امکان کار تشکیلاتی و حزبی را به روش های مختلف سخت و پرهزینه کرده اند و از سوی دیگر مردم به احزاب اعتماد ندارند، راه برون رفت احزاب این است که تکلیف خود را با ساختارهای حاکمیت مشخص کنند. چراکه نمی شود به دریا رفت و خیس نشد! با این وجود احزابی نظیر ما (حزب اراده ملت ایران) توانسته اند ضمن احترام به تمامی موازین قانونی جامعه به بیان مطالبه گری و دفاع از مزدبگیران جامعه بپردازند.

برمدار امید

دبیر حامای سمنان به بررسی سیر تاریخی جنبش های اجتماعی پرداخت و بیان کرد: از زمان مشروطه نیز ما شاهد چنین افت و خیزهایی در جنبش های اجتماعی بودیم. افت و خیزهایی که چونان نخ تسبیح، مشروطه را به ۳۰ تیر و سپس مرداد ۳۲ و بعد هم انقلاب ۵۷ رساند و منطقی است که بگویم این مسیر برمدار زندگی و امید به آینده تا به اینجا کشیده شده است.

"عادی سازی" اصطلاحی است که این روزها در مواجهه با نمایش جریان عادی زندگی در فضای مجازی و گفت و گوهای روزمره می شنویم. عبارتی که گویندگانش داعیه کنش ورزی اجتماعی و سیاسی دارند و معتقد هستند که تن دادن به جریان زندگی روتین و نشان دادن این واقعیت، اقدامی نكوهیده است؛ چراکه این رویه را خلاف مشی آزادی خواهی و ابزاری جهت بی اهمیت انگاشتن اتفاقات اخیر می دانند. در این گفتمان اغلب صحبت از تحریم و طرد جشنواره ها، مناسبات فرهنگی اجتماعی، رویدادها و برنامه های مردمی است و جریان عادی زندگی را مغایر با مشی آزادی خواهی قلمداد می کنند.

مبارزه یا زندگی؟

علی خلیلی پور عضو ارشد حزب اما در پاسخ به تقابل زندگی و مبارزه چنین پاسخ داد: ما مبارزه می کنیم تا زندگی بهتری داشته باشیم. ما زندگی می کنیم تا علیه بی عدالتی و نابسامانی ها مبارزه کنیم. این دو مقوله هرگز با یکدیگر مغایرت و تضاد ندارند و پایاپای هم، تار و پود کیفیت زیست انسان را معنا می بخشند؛ اما نکته بسیار مهم پیرو معنای زندگی در عین مبارزه، این است که بدانیم چه می کنیم و زندگی خود را بر چه مداری پیش می رانیم.

تحریم جشنواره: آری یا خیر؟

خلیلی پور نسبت به تحریم و یا طرد رویدادهای اجتماعی و جشنواره های ملی نظیر جشنواره فجر، گفت: تحریم، یک ابزار غیرمسلحانه و غیر تخریبی برای بیان اعتراض است. برای اینکه موجودیت یک نظر و اندیشه را به شیوه ای مسالمت جویانه بیان کند. کارساز بودن تحریم بسته به شرایط موجود است. اگر در چنین برنامه ها و جشنواره هایی، ما شاهد تنوع و تکرار اندیشه و آزادی عمل در هیئت داوران، آثار نمایشی و برگزیدگان باشیم تحریم و طرد کردن، جایگاه و اثربخشی خودش را ندارد. اما اگر شاهد یکدست سازی و بیان اندیشه انحصاری در چنین رویدادهایی باشیم، تحریم می تواند یک گزینه برای اعلام مخالفت باشد.

پویایی یک جریان

این فعال سیاسی با سابقه ضمن اشاره به ماهیت جریان های اجتماعی یک دهه اخیر ایران، پویایی مطالبه گری و آزادی خواهی را در بستر زندگی روزمره چنین تشریح کرد: مردم ایران در هر دوره، به دنبال جرقه هایی نظیر انتخابات، گرانی بنزین و اخیراً فوت مهسا امینی با روش های مختلف به بیان نارضایتی از مجموعه مدیریتی کلان کشور پرداختند. مجموعه ای که در فهم خواست قاطبه مردم دچار مشکل

گزارشی از تجربیات لهستان در قرن بیستم (۲)

اصلاحات در محاق



علی صابری

a.saberi1389@gmail.com

در شماره قبل، گزارشی مختصر از نحوه شکل گیری جمهوری خلق لهستان و دوران ذوب و اصلاحات گوملکا را بیان شد، حال به ادامه تاریخ مختصر جمهوری خلق لهستان پس از شکست اصلاحات تا سرنگونی جمهوری خلق لهستان و تشکیل جمهوری لهستان خواهیم پرداخت.

همان طور که در شماره قبل ذکر شد، در اواخر دوران گوملکا، پیروزی اسرائیل در جنگ شش روزه بر اعراب باعث تشدید اختلافات در میان گروه ها و جناح های مختلف حزب متحد کارگران لهستان گردید، با توجه به یهودی تبار بودن برخی از بازماندگان جناح پولاوی، آن ها برخلاف موضع رسمی حزب که حمایت از اعراب در برابر اسرائیل وابسته به بلوک غرب بود، از پیروزی اسرائیل بر اعراب به عنوان پیروزی ماعنوان نمودند و همین اظهارات باعث تشدید احساسات ضدیهودی در لهستان شد و البته که بخش هایی از کهنه سربازهای جنگ و مقاومت در برابر ارتش آلمان نازی از این فرصت برای سرکوب و حذف اندک بازمانده های جناح پولاوی (حامیان اصلاحات و آزادسازی) استفاده کردند، این کهنه سربازها با تأکید بر حفظ وحدت ملی و تشکیل دولت قوی از مدت ها پیش تحت عنوان پارتیزان ها یکی از جناح ها

و گروه های درون حزب متحد کارگران لهستان متحد شده بودند که طی این دوره توانستند برخی گروه های راست گرای افراطی سابق همچون پاکس را هم جذب خود کردند.

پارتیزان ها، مخالفین خود را که عموماً از حامیان آزادسازی نظام سیاسی و اقتصادی بودند را به تجدیدنظر طلبی و روزیزیونیست متهم نمودند و با متهم کردن آن ها به پیروی از نظریه های گرامشی آن ها را از حزب و دولت اخراج کردند که این افراد در خارج از حزب یک جریان روشنفکری منتقد با تأثیر بالا بر جریان های دانشجویی تشکیل دادند.

در آذرماه ۱۳۴۹، با مصوبه شورای مرکزی حزب، قیمت برخی مواد غذایی از ۱۷ تا ۳۶ درصد افزایش یافت، حدود دو هفته بعد و در عصر ۱۲ دسامبر ۱۹۷۰، این مصوبه شورای مرکزی حزب اعلام عمومی شد، مخالفت با این مصوبه از روز ۱۴ دسامبر شروع شد و شش روز ادامه یافت و طی آن در سه شهر به دفتر مرکزی حزب در آن شهرها حمله شد و البته که شورش ها توسط شبه نظامیان زوما با شدت تمام سرکوب شد، یک روز بعد از پایان یافتن اعتراضات در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۰، با حمایت برژنف، رهبر وقت شوروی، گوملکا از سمت دبیر اول حزب و افراد نزدیک به او نیز از شورای مرکزی حزب



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



دستورالعمل و سیاست جدید کشاورزی به تصویب رسید که با استفاده از کمک‌های فنی و سرمایه‌گذاری خارجی و با فاصله گرفتن از سیاست‌های دولتی کردن کشاورزی، منجر به پیشرفت قابل توجهی در کشاورزی در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ شد. دو برابر شدن تعداد تراکتور و افزایش مصرف کودهای شیمیایی باعث شد طی این دوره تولید کشاورزی ۲۲ درصد افزایش بیابد (گوشت خوک ۸۰ درصد، گوشت گاو ۵۰ درصد، تولید شیر تا ۵۲ درصد، تولید طیور تقریباً دو برابر شد). قیمت‌های ثابت و پایین مواد غذایی و افزایش نسبتاً سریع در آمد جمعیت منجر افزایش تقاضا و میزان مصرف مواد غذایی و افزایش یارانه‌های مواد غذایی شد.

در سال ۱۹۷۵ ناتوانی دولت در تأمین یارانه تولید مواد غذایی باعث سقوط رشد تولید محصولات کشاورزی شد و دولت برای تأمین بازار داخلی مجبور به محدود کردن صادرات مواد غذایی شد تا برای اولین بار در کل دوره پس از جنگ تراز تجارت خارجی مواد غذایی لهستان منفی گردد و برای نخستین بار پس از پایان جنگ دوم جهانی، سهمیه‌بندی محصولات غذایی دوباره اجرا گردید و شکر، نخستین ماده غذایی بود که کوپنی شد و طی چندین سال بعد گوشت، کره، بلغور، برنج، آرد، روغن، صابون، پودر لباسشویی، شیرینی، سیگار، الکل، بنزین، کفش و غیره هم کوپنی شدند. با این حال، پروپاگاندا و تبلیغات کاذب حاکمیت برای موفقیت‌های روزافزون امکان تعدیل و تغییر در سیاست‌های اقتصادی صنعتی را نمی‌داد و از سال ۱۹۷۶، سیاست رشد اقتصادی تیم ادوارد گیرک، عمدتاً مبتنی بر دریافت وام‌های خارجی برای تولید محصولات مدرن و فروش آن به غرب جهت بازپرداخت وام شکل گرفت؛ اما مدیریت ناکارآمد و ضعیف باعث سرمایه‌گذاری بیش از حد در صنایع سنگین و معدنی شد و شوک اول و دوم نفتی در دهه ۱۹۷۰ میلادی و زمستان قرن سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹ تأمین منابع برای واردات اقلام ضروری برای تداوم تولید صنعتی در کارخانه‌های جدید را با مشکلات متعددی همراه کرد به گونه‌ای که چرخه تولید در بخش‌های کلیدی اقتصاد مختل شد و کارخانه‌ها متحمل زیان‌های مالی شدیدی به علت تعطیلی کارخانه‌ها به دلیل کمبود مواد اولیه و کسری فزاینده انرژی ایجاد شد تا بر خلاف تصور سیاست‌گذاران اقتصادی جمهوری خلق لهستان بدهی‌های خارجی نه تنها پرداخت نشد

و دفتر سیاسی حزب کنار گذاشته شدند و ادوارد گیرک به عنوان دبیر اول جدید حزب انتخاب شد و سه روز بعد هم نخست‌وزیر، یوزف سیرانکیوویچ پس از ۱۶ سال از سمت نخست‌وزیری استعفا داد و جای خود را به معاون سابقش داد و خودش حدود دو سال به عنوان رئیس شورای دولتی مشغول شد تا در سال ۱۹۷۲ او نیز به صورت کامل کنار گذاشته شد.

اندکی پس از انتخاب گیرک به عنوان دبیر اول حزب، او به دیدار برژنف رفت و انتظارات شوروی از دولت جدید لهستان را دریافت کرد، او مأمور شد تا ساختار مالکیت کشاورزی در کشور را به سمت ملی شدن تغییر دهد و تأثیرات غیر مارکسیستی در علوم انسانی رو حذف کند و البته که سیاست برخورد با کلیسا را در پیش بگیرد و روابط اقتصادی لهستان با سایر کشورهای بلوک شرق را افزایش دهد.

گیرک در فوریه سال ۱۹۷۱، دو ماه پس از تصویب افزایش قیمت مواد غذایی، این مصوبه را برای مدت دو سال متوقف کرد، تصمیمی که تا سال ۱۹۷۶ تمدید شد.

ادوارد گیرک با شعار «برای قوی‌تر شدن لهستان زندگی مردم در رفاه» و «با هم در حال ساختن لهستان دوم هستیم» ششمین برنامه اقتصادی جمهوری خلق لهستان، برنامه پنج‌ساله چهارم را به تصویب شورای مرکزی حزب و سپس مجلس نمایندگان لهستان رساند تا لهستان با کمک وام‌های بانک‌های غربی و کمک‌های شوروی یکی از درخشان‌ترین دوره‌های اقتصادی خود را طی کند و درآمد ملی تا حدود ۶۰ درصد و دستمزدهای واقعی حدود ۴۰ درصد افزایش یافت و بیش از ۶۰۰ کارخانه صنعتی همچون بزرگ‌ترین نیروگاه زغال‌سنگ در جهان، کارخانه تولید خودرو و فیات طی این سال‌ها تأسیس شد. همچنین به لطف فن‌آوری خانه‌های پیش‌ساخته، بیشترین تعداد آپارتمان در تاریخ لهستان طی این دوره ساخته شد.

طی این سال‌ها منشور حقوق و وظایف معلمان برای افزایش حقوق معلمان تصویب شد و تعداد دانش‌آموزان با ۴۰ درصد افزایش به ۴۶۸ هزار نفر رسید. همچنین قانون کار لهستان تصویب شد، مرخصی زایمان از ۱۲ هفته به ۱۸ هفته افزایش یافت و تعداد کارگران و کارمندان از ۲۰۲ میلیون نفر به ۳۸ میلیون نفر افزایش یافت.



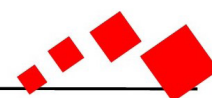
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

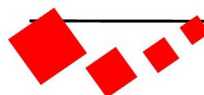
۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

که به علت ناتوانی دولت در بازپرداخت آن‌ها، مقدار بدهی خارجی لهستان از ۱.۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۱ میلادی به نزدیک ۲۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ افزایش یافت.

بحران نخست نفتی در سال ۱۹۷۳ و بعد از کمک آمریکا به اسرائیل در جنگ یوم کیپور و توقف تولید نفت در کشورهای عربی آغاز شد و قیمت نفت از سه دلار به ۱۲ دلار برای هر بشکه افزایش یافت. به علت وجود شورای تعاون اقتصادی (کمکان) که پاسخ شوروی به طرح مارشال آمریکا بود و تأمین کننده اصلی انرژی در بلوک شرق هر پنج سال یکبار قیمت‌ها را تغییر می‌داد، افزایش قیمت نفت با تأخیر به لهستان رسید. بالین حال عملاً از اواخر سال ۱۹۷۴ درآمد حاصل از صادرات دیگر برای بازپرداخت وام‌ها و واردات کالاهای مورد نیاز کافی نبود و در پایان سال ۱۹۷۵ لهستان برای نخستین بار به علت کمبود منابع ارزی مجبور به اخذ وام ارزی از اتحاد جماهیر شوروی وام شد.



اگر چه از ابتدای سال میلادی، کمپین‌های تبلیغاتی در روزنامه‌ها ایجاد شده بود که ذهن مردم را برای افزایش قیمت کالاها آماده کنند و در ژوئن ۱۹۷۶، مطبوعات محلی و ملی اطلاعاتی در مورد نرخ بیکاری در اروپا و آمریکای شمالی، بحران غذا و افزایش قیمت مواد غذایی در جهان منتشر کردند



این شرایط باعث شد که نرخ رشد درآمد ملی لهستان شروع به کاهش کند؛ و از ۹ درصد در سال ۱۹۷۵ به ۶/۸ درصد در سال ۱۹۷۶ و در سال بعد به ۵ درصد کاهش یافت و در سال ۱۹۷۹ میلادی ۲.۳ درصد کاهش یافت. این شرایط وخیم اقتصادی باعث شده بود که لهستان به تدریج به عنوان یکی از پایگاه‌های گروه‌های عرب و فلسطینی برای انجام عملیات در اروپا تبدیل شود.

علاوه بر شرایط رو به وخامت اقتصادی در ۱۰ فوریه ۱۹۷۶، سجم تغییراتی را در قانون اساسی جمهوری خلق لهستان برای اتحاد با اتحاد جماهیر شوروی به تصویب رساند که باعث مخالفت گسترده روشنفکران شد ولی اتفاق اصلی این سال، اندکی بعد و در ژوئن این سال با اعلام افزایش قیمت رسمی برخی کالاهای مصرفی بود، موج اعتصابات و اعتراضات کارگران در شهرهای مختلف لهستان اتفاق افتاد.

اگر چه از ابتدای سال میلادی، کمپین‌های تبلیغاتی در روزنامه‌ها ایجاد شده بود که ذهن مردم را برای افزایش قیمت کالاها آماده کنند و در ژوئن ۱۹۷۶، مطبوعات محلی و ملی اطلاعاتی در مورد نرخ بیکاری در اروپا و آمریکای شمالی، بحران غذا و افزایش قیمت مواد غذایی در جهان منتشر کردند. همچنین اطلاعات عجیب و غریبی منتشر شد که ایسلند به لطف معرفی رژیم ماهی با مشکلات غذایی کنار می‌آید. کمیته مرکزی حزب متحد کارگران لهستان حتی تصمیم گرفت از اصطلاح "افزایش قیمت" استفاده نکند. علت مستقیم این اعتصابات سخنرانی نخست‌وزیر پیوتر یاروسزویچ بود.

در ۳ خرداد ۱۳۵۵ نخست‌وزیر پیوتر یاروسزویچ در سخنرانی که به صورت زنده از رادیو و تلویزیون پخش شد. تلاش کرد تا با ناامیدن اجرای منسجم مفروضات سیاست پس از دسامبر و "تداوم پیشرفت

در اوایل دهه ۱۹۷۰ این افزایش قیمت‌ها که گاه تا هفتاد درصد بود را توضیح دهد.

روز بعد ۲۵ ژوئن در شهرهای مختلف کشور اعتصابات و تظاهراتی تشکیل می‌شود که وقوع این ناآرامی‌ها سانسور می‌شود و از آن‌ها به عنوان "افراط‌های کوچک و هولیگانی" یاد می‌شود. بالین وجود دولت از ترس گسترش اعتراضات از تصمیم افزایش قیمت‌های خود عقب‌نشینی می‌کند و بالین وجود در برخی شهرها با استفاده از نیروهای شبه نظامی زوما با مخالفین و معترضین به ویژه در شهر رادوم به شدیدترین شکل ممکن برخورد می‌شود ولی یک سال بعد فرمان عفو عمومی صادر می‌شود.

طی این سالها از اتحاد بخشی از فعالان جوان اخراجی حزب کارگران متحد لهستان در سال ۱۹۶۵ و روشنفکران کاتولیک پیرامون مجله "ژناک" اولین سازمان مخفی اپوزیسیون، توافقنامه استقلال لهستان، تأسیس شد، پس از اعتصابات ژوئن ۱۹۷۶، کمیته دفاع کارگران با هدف دفاع از کارگران شکل گرفت و اندکی بعد جنبش دفاع از حقوق بشر و شهروندی تأسیس شد.

اردیبهشت ۱۳۵۶، می ۱۹۷۷، استانیسلاو پیچاس، از اعضای کمیته دفاع از کارگران در شهر کراکوف به طرز مشکوکی کشته شد، علت مرگ او در رسانه‌های رسمی سقوط از پله عنوان شد اما مخالفین روایت دیگری از مرگ او داشتند و دولت را متهم به دخالت در مرگ او می‌کردند و تظاهرات گسترده‌ای در شهرهای مختلف لهستان برگزار شد و در نتیجه این تظاهرات کمیته‌های همبستگی دانشجویی در دانشگاه‌ها و شهرهای اصلی لهستان تشکیل شد.

اما مهم‌ترین اتفاق در میان اپوزیسیون لهستان، انتخاب یکی از اسقف‌های لهستان به عنوان پاپ جدید کلیسای کاتولیک بود، در اکتبر ۱۹۷۸، اسقف اعظم کلان‌شهر کراکوف، کاردینال کارول ویتیل، به عنوان پاپ ژان پل دوم انتخاب شد و در ابتدای سال بعد ژان پل دوم در سفر به لهستان، با انبوهی از مسیحیان کاتولیک دیدار کرد و از لزوم تغییرات در لهستان به گوشه و کنایه سخن گفت.

اما انتقادهای سیاست‌های گیرک در خود حزب هم در حال افزایش بود و در فوریه ۱۹۸۰، هشتمین کنگره حزب متحد کارگران لهستان برگزار شد که طی آن پیوتر یاروسزویچ از دفتر سیاسی حزب کنار گذاشته شد و به زودی از سمت نخست‌وزیری استعفا داد تا ادوارد بابیوچ جانشین او شود.

وضعیت اقتصادی رو به وخامت لهستان باعث شد دولت جدید به رهبری ادوارد بابیوچ سیاست ریاضت اقتصادی و انضباط مخارج بودجه را اعمال کند و دوباره بحث افزایش قیمت‌ها مطرح را مطرح نماید که دولت در واکنش به اعتصابات کارگران در ژوئیه ۱۹۸۰ با افزایش مزد اعتصاب‌کنندگان موافقت کرد. اوضاع به طور موقت آرام شد و حتی ادوارد گیرک برای تعطیلات به کریمه رفت؛ اما اواسط ماه بعد دوباره اعتصابات در شهرهای مختلف آغاز شد که معروف‌ترین آن در ۱۴ آگوست، در کارخانه کشتی‌سازی گدانسک بود که معترضین با تشکیل کمیته هماهنگی و همبستگی کارخانه‌های اعتصابی در سراسر لهستان را متحد کردند، مطالبات اعتصاب‌کنندگان که در ابتدا ماهیت اقتصادی داشت، به مرور زمان به مسائل عمومی اجتماعی نیز گسترش یافت و منجر به قراردادهای آگوست ۱۹۸۰ شد که بر اساس آن‌ها اتحادیه مستقل کارگری خودگردان و مستقل از حزب موسوم به همبستگی تشکیل و به رسمیت شناخته شد تا برای نخستین بار در بلوک شرق، تشکیلات کارگری مستقل از حزب مدعی دفاع از حقوق کارگران تشکیل شود.



اندیشه





مدخل "خوب زیستی" در دانشنامه فلسفی استنفورد - بخش دوم

نظریه های "خوب زیستن"

نوشته راجر کریسپ



کاظم طیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com

بخش اول این نوشتار که ترجمه مدخل "خوب زیستن" از دانشنامه فلسفی استنفورد به قلم راجر کریسپ است و در شماره ۵۳ همین نشریه تقدیم خوانندگان گردید، تعریف ابتدایی مبحث و مفهوم کلی "خوب زیستن" در فلسفه بیان شد و نقدهایی بر این موضوع نیز بر شمرده شد. اینک و در ادامه، مفاهیم و مکاتب مربوطه بررسی و معرفی می گردد.

۱. لذت گرایی

از یک نظر، انسان ها همیشه در پی آن چیزی هستند که گمان می کنند بیشترین موازنه لذت را بر درد ایجاد می کند. این "لذت گرایی روانی" است و در اینجا دغدغه من نخواهد بود. در عوض، من قصد دارم در مورد "لذت گرایی ارزش گزارانه" یا لذت گرایی محتاطانه (مصلحت اندیشانه) بحث کنم که بر اساس آن "خوب زیستن" بیشترین تعادل لذت بر درد را شامل می شود این دیدگاه اولین بار توسط سقراط و پروتاگوراس در گفتگوی افلاطونی پروتاگوراس بیان شد که احتمالاً مشهورترین گزارش این دیدگاه هم هست (۱). جرمی بنتام، یکی از مشهورترین لذت طلبان اخیر، کتابش "مقدمه ای بر اصول اخلاقی و قانون گذاری" را این گونه آغاز می کند: "طبیعت، بشر را تحت حاکمیت دو فرمانروای چیره دست، یعنی درد و لذت قرار داده است. فقط این دو آنچه باید انجام دهیم را مشخص می کنند."

لذت طلب در پاسخ به این سؤال که "راه از چه چیزی تشکیل شده است؟" پاسخ می دهد: "بیشترین موازنه لذت بر درد". ما می توانیم این لذت گرایی را "لذت گرایی حقیقی" بنامیم. موضع لذت گرایی حقیقی شامل "لذت گرایی توضیحی" نیز می شود که در پاسخ به این سؤال که: چه چیزی لذت را خوب و درد را بد می کند؟ پاسخ می دهد: "دلپذیری لذت، دردناکی درد". اگر یک لذت گرای اساسی را در نظر بگیرید که معتقد است آنچه لذت را برای ما خوب می کند این است که طبیعت ما را بر آورده می کند، این نظریه پرداز، یک لذت گرای توضیحی نیست.

لذت گرایی (آدونیسم) - همان طور که ریشه های باستانی آن نشان می دهد - از دیرباز یک دیدگاه واضح و قابل قبول بوده است. "خوب زیستن" یعنی آنچه برای من خوب است، ممکن است تصور شود که به طور طبیعی با آنچه برای من خوب به نظر می رسد مرتبط است، و لذت برای اکثر مردم خوب به نظر می رسد. هر

چیز دیگری در حدی که من از آن لذت می برم، می تواند برای من سودمند باشد. ساده ترین شکل لذت گرایی، دیدگاه بنتام (۲) است که بر اساس آن، هر چه فرد بتواند لذت بیشتری را در زندگی خود قرار دهد، بهتر خواهد بود و هر چه بیشتر دردناک باشد، بدتر خواهد شد. چگونه ارزش این دو تجربه (لذت بیشتر یا درد بیشتر) را اندازه گیری می کنیم؟ به گفته بنتام، مدت و شدت لذت یا درد تجربیات ما دو مؤلفه اصلی ارزیابی آنهاست.

بنتام تمایل داشت که لذت و درد را، همان طور که مفهوم شدت ممکن است نشان دهد، نوعی احساس تلقی کند. یکی از مشکلات این نوع لذت طلبی که اغلب مطرح شده این است که به نظر نمی رسد یک مؤلفه مشترک لذت بخشی در تجربه های مختلف افراد وجود داشته باشد. مثلاً لذت خوردن همبرگر، با لذت خواندن شکسپیر یا با لذت بازی واترپلو چه اشتراکی با یکدیگر دارد؟ در عوض، به نظر می رسد که تجربیات خاصی هم وجود دارد که ما معمولاً چون از آنها لذت می بریم، مایل هستیم آنها را ادامه دهیم. حتی ممکن است که مایل باشیم تا از این تجربیات در راستای اهدافی فلسفی به عنوان لذت نام ببریم (هر چند برخی از آنها معمولاً به عنوان تجربه لذت بخش توصیف نمی شود مانند غواصی در غار بسیار عمیق و تنگ که برای اشخاصی با اهداف فکری خاص لذت بخش است). هدونیسیم می تواند صرفاً با در نظر گرفتن هر گونه دیدگاهی که در مورد لذت، قابل تصور است، از این اعتراض جان سالم به دربرد. اعتراض جدی تر به موضع ارزیابی خود لذت گرایی است. به عنوان مثال، توماس کار لایل (۳)، مؤلفه لذت گرایانه فایده گرایی را "فلسفه خوک" توصیف کرده. نکته این است که لذت گرایی ساده همه لذت ها را در یک سطح قرار می دهد، چه پایین ترین لذت حیوانات از رابطه جنسی باشند و چه بالاترین ارزش زیبایی شناسی باشند.

انسان ها همیشه در پی آن چیزی هستند که گمان می کنند
بیشترین موازنه لذت را بر درد ایجاد می کند



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

اعتراض دیرینه به حرکت میل در اینجا این بود که او ادعا داشت دیگر نمی توان از موضع وی به عنوان لذت گرایی (یا آنچه من "لذت گرایی توضیحی" نامیده ام) یاد کرد. اگر لذت های بالاتر به دلیل ماهیتشان برتر باشند، آن جنبه از ماهیت آن ها نمی تواند خوشایند باشد، زیرا خوشایندی آن ها را فقط مدت و شدت می تواند تعیین کند. به هر حال میل از خواصی مانند اصالت و نجابت سخن می گوید که بر ارزش یک لذت می افزاید. باید اعتراف کرد که میل در اینجا، به قول معروف، "نزدیک باد قایقرانی می کند!" (۷) چون فضایی منطقی برای موضع لذت طلب وجود دارد که به ویژگی هایی مانند "اصالت و نجابت" اجازه می دهد خوشایند بودن یک امر را تعیین کنند و میل اصرار دارد که فقط خوشایند بودن، ارزش را تعیین می کند. اما جای تعجب دارد که چگونه اصالت و نجابت می تواند بر خوشایندی یک امر تأثیر بگذارد و چرا میل به این ایده نمی رسد که اصالت و نجابت به خودی خود یک دارایی خوب و مطلوب هستند.

در بالا به معقول بودن این ادعا اشاره کردم که اگر از چیزی لذت نبرم آن چیز نمی تواند برای من مفید باشد. برخی از غیر لذت گرایان این امر را رد کرده اند در حالی که به اصطلاح نیاز به تجربه را برای خوب زیستن پذیرفته اند. آن ها می گویند آنچه مهم است آگاهی ارزشمند است و آگاهی می تواند به دلایل غیر لذت گرایانه (هدونی) نیز ارزشمند باشد. (۸)

اما اعتراض سنگین تری نیز به همه انواع لذت طلبی وجود دارد که به اصطلاحاً "ماشین تجربه" نامیده شده. تصور کنید من یک دستگاه دارم که می توانم شمارا تا آخر عمر به آن متصل کنم. این دستگاه هر نوع تجربیات ارزشمند یا لذت بخش را برای شما به ارمغان می آورد، مثل نوشتن یک رمان عالی، ایجاد صلح در جهان و ... شما نمی دانید که روی دستگاه هستید و هیچ نگرانی ای در مورد خرابی دستگاه یا هر نگرانی دیگری برایتان وجود ندارد. آیا خودتان را به چنین دستگاهی وصل می کنید؟ آیا این کار از نظر "خوب زیستن" کار عاقلانه ای است؟

رابرت نوزیک (۹) معتقد است که این یک اشتباه بزرگ است. او می گوید: ما می خواهیم برخی کارها را انجام دهیم ... ما می خواهیم به شیوه ای خاص عمل کنیم ... اتصال به یک ماشین تجربه ما را به یک واقعیت ساخته دست انسان محدود می کند. (۱۰)

حتی بنا به فرض، با اجازه دادن به انتخاب های واقعی و با ایجاد دسترسی به یک دنیای مجازی مشترک توسط سایر کاربران یا با به وجود آوردن دنیایی که

می توان با یک آزمایش فکری این موضوع را روشن کرد. تصور کنید که به شما این امکان را می دهند که یک زندگی انسانی بسیار کامل داشته باشید، یا یک صدف بسیار حساس که لذت بسیار کمی را تجربه می کند، باشید. همچنین فرض کنید که عمر این صدف می تواند تا زمانی که شما دوست دارید طول بکشد، در حالی که عمر انسان فقط هشتاد سال خواهد بود. اگر بنتام درست می گفت، طول عمر صدف باید به گونه ای باشد که شما آن را بر انسان ترجیح دهید. ولی باین حال، بسیاری می گویند که آن ها زندگی انسان را بر زندگی صدف در هر مقدار طولانی ترجیح می دهند.

در حال حاضر، این یک بحث ساده علیه لذت گرایی ساده نیست. در واقع برخی

هر چه فرد بتواند لذت بیشتری را در زندگی خود قرار دهد، بهتر خواهد بود و هر چه بیشتر در دناک باشد، بدتر خواهد شد

از مردم حاضرند بپذیرند که به تدریج، عمر صدف ترجیح داده می شود. اما جایگزینی برای لذت طلبی ساده وجود دارد که توسط جان استوارت میل (۴) تحت تأثیر بحث لذت طلبی افلاطون در انتهای کتاب جمهوری، مطرح شده است (۵). میل از تمایز بین لذت های بالاتر و پایین تر استفاده می کند. میل ویژگی سومی را به دو عامل تعیین کننده ای که توسط بنتام مشخص شده یعنی مدت و شدت، اضافه کرد (۶). او برای تمایز این ویژگی از دو ویژگی کمی مورد نظر بنتام، ویژگی سوم مورد نظر خود را یک کیفیت نامید. ادعای او این است که برخی لذت ها، به دلیل ماهیت خود، ارزشمندتر از بقیه هستند. به عنوان مثال، لذت خواندن شکسپیر، بر اساس ماهیت آن، از هر مقدار لذت اولیه ای که حیوانات داشته باشند، ارزشمندتر است. اگر دقت داشته باشیم، آنچه میل گفته را می توانیم مشاهده کنیم چون برمی خوریم و می بینیم کسانی را که هر دو نوع لذت را تجربه کرده اند و قاضی شایسته ای هستند، بر همین اساس انتخاب های خود را انجام می دهند.





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶
۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

در آن ارتباط معمولی امکان پذیر است، بتوان تجربه این دستگاه را خوشایندتر هم کرد. اما این هم برای بسیاری از مخالفان لذت طلبی کافی نخواهد بود. یک نوع پاسخ دیگر از به اصطلاح "بیرونی گرایی" فلسفه ذهن شروع می شود که بر اساس آن، محتوای حالات روانی توسط حقایق خارجی از تجربه کننده آن حالات تعیین می شود؛ بنابراین، تجربه نوشتن یک رمان عالی کاملاً متفاوت از آن چیزی است که نوشتن واقعی یک رمان عالی در عالم واقع است، هر چند که ممکن است "از درون" برای شخص غیر قابل تشخیص باشند. اما اگر جهان می تواند بر محتوای تجربیات من تأثیر بگذارد بدون اینکه من در موقعیتی باشم که از آن آگاه باشم، چرا نباید مستقیماً بر ارزش تجربه من نیز تأثیر بگذارد؟

قوی ترین اقدامی که لذت طلبان باید انجام دهند این است که قدرت ظاهری اعتراض ماشین تجربه را بپذیرند، اما تأکید کنند که در جایی از زندگی ما که ممکن است بالذت طلبی توجیه شود، این توجیه بر شهودهای عقل سلیم استوار است. این کار برای اتخاذ موضعی مشابه آنچه توسط "فایده گرایان دو سطحی"، در پاسخ به نمونه های متضاد ادعا شده بر اساس اخلاق عقل سلیم اتخاذ شده، انجام شده است. لذت گرایان به اصطلاح "پارادوکس لذت گرایی" اشاره می کنند. حالتی که در آن، لذت به طور مؤثرتری به طور غیرمستقیم دنبال می شود. اگر آگاهانه تلاش کنم که لذت خود را به حداکثر برسانم، قادر نخواهم بود خود را در آن فعالیت ها غوطه ور کنم. مانند خواندن یا بازی کردن که تلاش آگاهانه برای لذت بخش نمودن آن ها مانع غوطه ور شدن در آن ها می شود. ولی اگر ما اعتقاد داشته باشیم که این فعالیت ها مستقل از لذتی که از انجام آن ها به دست می آوریم ارزشمند نیز هستند، احتمالاً در مجموع نیز لذت بیشتری را کسب خواهیم کرد.

گرچه این گونه بر خورد ها در فلسفه اخلاق مایه تأسف است؛ اما نباید کنار گذاشته شود (۱۱). آن ها پرسش هایی را در مورد معرفت شناسی اخلاق، منبع و وضعیت معرفتی عمیق ترین باور های اخلاقی ما مطرح می کنند که ما از پاسخ دادن به آن بسیار دور تر از آن چیزی هستیم که بسیاری تصور می کنند. مطمئناً روند کنونی رد سریع لذت طلبی بر مبنای تجزیه سریع اعتراض ماشین تجربه از نظر روش شناسی مناسب نیست.

توضیحات:

۱. Plato, Protagoras, C.C.W. Taylor (ed. and trans.), Oxford: Clarendon Press, ۱۹۷۶, [C4 BCE], ۳۵۱b-c

برای ترجمه فارسی این اثر نک: مجموعه آثار افلاطون، ترجمه محمد حسن لطفی و رضا کاویانی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰ ش، جلد ۱، صص ۸-۱۱۷
۲. Jeremy Bentham (۱۷۴۸-۱۸۳۲)، فیلسوف، حقوق دان و اصلاح گر اجتماعی انگلیسی بود. او به عنوان بنیان گذار فایده گرایی مدرن شناخته می شود.

۳. Thomas Carlyle (۱۷۹۵-۱۸۸۱)، زبان شناس، تاریخ نگار، مترجم، ریاضی دان، فیلسوف، مقاله نویس، و نویسنده اهل اسکاتلند، منتقد فایده گرایی و بخصوص لذت گرایی

۴. John Stuart Mill (۱۸۰۶-۱۸۷۳)، فیلسوف بریتانیایی صاحب اثر در زمینه منطق، شناخت شناسی، اخلاق، اقتصاد و فعال عرصه سیاست که دکتر عبدالکریم سروش او را استقرا گرایی قهار و متقلب معرفی می کند.

Plato, Republic, G.M. Grube (trans.), revised C.D.C. ۵. Reeve, Indianapolis: Hackett, ۱۹۹۲, [C4 BCE], ۵۸۲d-۵۸۳a

برای ترجمه فارسی نک: مجموعه آثار افلاطون، ترجمه محمد حسن لطفی و رضا کاویانی، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰ ش، جلد ۲، صص ۱۲۳۱-۳۵

۶. Mill, J.S., ۱۸۶۳ [۱۹۹۸], Utilitarianism, R. Crisp (ed.), Oxford: Oxford University Press, ch. ۲

برای ترجمه فارسی نک: میل، جان استیوارت، فایده گرایی، ترجمه مرتضی مریدیها، تهران، نشرنی، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ ش، صص ۵۳ و ص ۱۸۷
۷. نزدیک باد قایقرانی کردن کنایه است از خطر نکردن و موضع بدون ریسک اتخاذ کردن است.

۸. Kriegel, U., ۲۰۱۹, "The Value of Consciousness", Analysis, ۷۹: ۵۰۳-۵۰۴

۹. Robert Nozick (۱۹۳۸-۲۰۰۲)، فیلسوف سیاسی آمریکایی که تا هنگام مرگ، استاد کرسی فلسفه در دانشگاه هاروارد بود. دیگر آثارش در زمینه نظریه تصمیم و شناخت شناسی هستند. جستار اصلی نوزیک و فشرده سخن او دفاعی همه جانبه و ریشه ای از اختیار گرایی و آزادی گرایی است تا آنجایی که برخی او را مدافع اختیار گرایی رادیکال خوانده اند.

Nozick, R., ۱۹۷۴, Anarchy, State, and Utopia, Oxford: Basil Blackwell, p. ۴۳

۱۱. برای بحث متعادل در مورد ماشین تجربه و مرور نظریات مقابل نک: Lin, E., ۲۰۱۶, "How to Use the Experience Machine", Utilitas, ۲۸: ۳۱۴-۳۳۲



دو گانه حزب و تشکل



کوروش الماسی

اینکه مدنیت در ایران دچار چالشی بی سابقه، حداقل در دوران معاصر، شده است، برای هیچ ذهن وطن پرست، با اخلاق و صادقی قابل کتمان نیست. به این دلیل ساده و بدیهی که مدنیت تعریف و ملزوماتی مشخص دارد، که در شرایط موجود، نمود و تبلور آن موجود نیست. با توجه به شرایط نامطلوب و پرچالش زیست اجتماعی، محدودیت و موانع حقوقی برای حزب، طرح یک پرسش ضروری است: چرا فعل (افعال) سیاسی، همان تلاش طبیعی و ذاتی انسان‌ها برای بقا (امن و آرام) است؟

به تعبیری افعال سیاسی عصاره افعال جمعی (ملی) هستند. با توجه به خنثی بودن حزب (راهکار عقلانی، مدنی و مسالمت آمیز) به واسطه موانع و محدودیت‌های قانونی، این موجز تبیینی از فعل سیاسی به عنوان پدیده‌ای است که در ذات انسان‌ها ریشه دارد و در نتیجه موضوعی مقدم بر نظم حقوقی است. مقدم بر نظم حقوقی به این معنی که هیچ قانونی نمی‌تواند (چون عملی و کاربردی نیست) انسان‌ها را از «تلاش برای زنده ماندن یا ایجاد یک زندگی مطلوب منع یا محدود کند». در راستای پاسخی کلی، مختصر و کاربردی به پرسش فوق، تبیینی کلی از مفاهیم فعل، فعل سیاسی، نظم حقوقی و «تشکل (تلاش ذاتی برای بقا)»، ارائه می‌شود. به بیانی، مدنیت پیامد «تلاش جمعی» انسان‌ها برای بهبود زیست خود، صرف نظر از هر قیدی است.

به عبارتی، انسان‌ها در اشکال فردی، گروهی، ملی و... صرف نظر از ساختارهای گوناگون حکمرانی، پیوسته در تلاش برای تهیه و تأمین انواع نیازها، خواسته‌ها، اهداف، آرزوها و... بوده، هستند و خواهند بود. اگر افعال سیاسی را به طور کلی، تلاش فردی و جمعی انسان‌ها به منظور تحقق انواع نیازها تلقی کنیم، آنگاه می‌توان ادعا کرد که «تلاش ذاتی انسان‌ها در راستای تحقق انواع نیازها مقدم بر انواع ساختارهای سیاسی و حقوقی است که بنا به مقتضیات زمان و مکان پیوسته در حال به روز شدن هستند». به عبارتی، ساختارهای سیاسی و حقوقی می‌توانند تلاش فردی و جمعی انسان‌ها به منظور تحقق انواع نیازها را مدیریت و هدایت کنند اما منع یا توقف تلاش انسان‌ها برای تحقق انواع نیازها هرگز امکان پذیر نیست.

اگر رابطه علت و معلولی تلاش انسان‌ها (علت) برای تحقق انواع نیازها و نظم حقوقی (معلول) به مشابه ابزار مدیریت و هدایت تلاش انسان‌ها را درک کنیم و بپذیریم، آنگاه باید گفته شود که حزب تنها یک شیوه، روش، ساختار یا فعل سیاسی جمعی به منظور تحقق انواع نیازهای انسان‌ها (یا بخشی از شهروندان) است. اینکه ممکن است در برخی ساختارهای سیاسی و حقوقی پدیده حزب وجود نداشته باشد یا مطلوب تلقی نشود، یا اساساً کاربردی نباشد؛ بنابراین محدودیت‌های حقوقی بر اعمال حزب به معنی توقف تلاش جمعی یا فردی انسان‌ها به منظور

تحقق انواع نیازهای مادی، روان شناختی و اجتماعی نیست؛ بنابراین یک امر کاملاً اجتناب ناپذیر خواهد بود که در جوامعی که پدیده حزب وجود ندارد یا بسیار ناکارآمد است، شهروندان، از طریق پدیده تشکل (رفتار جمعی منظم و هدفمند)، تلاش خواهند کرد انواع نیازهای (مادی، اجتماعی و روان شناختی) اولیه و ضروری را تهیه و تأمین کنند. فعل؟ به کلی و کاربردی ترین بیان، «فعل» به معنی «ایجاد تغییر در ساختار، ویژگی‌ها، کیفیت یا رفتار پدیده‌ها (از هر نوعی) در عالم هستی است». برای مثال، «افعال نمایندگان مجلس در کشورهایی که نمایندگان منتخب مردم هستند»، منجر به بهبود کیفیت زیست انسان‌ها می‌شود. یا افعال «محققین دانشگاهی» برخلاف افعال برخی کارشناسان، منجر به بهبود و توسعه امور گوناگون اقتصادی، آموزشی، روابط خارجه، تجارت و... در جامعه می‌شود.

یا افعال «معلمان» برخلاف افعال متخصصان توهّمات تاریخی، منجر به پرورش شهروندان (انسان‌های) مسئولیت پذیر، نوع دوست، با اخلاق و وطن پرست می‌شود و... اگر تبیین کلی و کاربردی از چرایی فعل منطقی تلقی شود، آنگاه می‌توان نتیجه گرفت که تلاش (فعل) برای بودن و تداوم بقا، یک امر طبیعی (غریزی) در همه موجودات از جمله انسان است؛ بنابراین «تلاش انسان‌ها برای صیانت از خود و توسعه شرایط زیست، مقدم بر نظم حقوقی و انواع ساختارهای سیاسی در جوامع است». نکته تأمل برانگیز اینکه تلاش برای بقا، صیانت و توسعه، در گذر زمان (هزاران سال) و کسب تجربه‌های بیشتر «از افعال فردی به افعال جمعی (سیاست، تشکل و حزب) تبدیل شد». به عبارتی تلاش جمعی به منظور بقا، صیانت و توسعه زیست فردی از طریق رفتار جمعی پدیده‌ای فرا اجتماعی و فرا سیاسی هستند. فرا اجتماعی و فرا سیاسی، به این معنی که نظم حقوقی و سیاسی، محصول تلاش جمعی به منظور تداوم بقای افراد است.

سیاست؟ به بیانی کلی و کاربردی، افعال معطوف به تدبیر اندیشه‌ها، طرح‌ها و راهکارهایی عملی، کم هزینه و پایدار به منظور حصول اهداف و نیازهای گوناگون به عنوان بستر زیستی همراه با امنیت، آرامش و آسایش نسبی برای شهروندان تحت حمایت حاکمیت است.

وطن پرستان و دغدغه مندان ایران زمین باید به طور جد، طرح‌هایی برای اشکال کاربردی، به منظور وقوع و تداوم افعال سیاسی برای تبلور اراده و تلاش طبیعی جمعی (اجتماعی و ملی) در قالب فعل حزب ایجاد تهیه کنند



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

فعل سیاسی؟ به بیانی کلی و کاربردی، معطوف به عملکرد ساختار مدیریت کلان سیاسی در راستای تهیه و تأمین انواع نیازها، اهداف، آرزوها و تمایلات مادی، اجتماعی و روان شناختی شهروندان تحت حمایت حاکمیت است. اگر سیاست‌ورزی را عصاره تلاش جمعی به منظور تحقق انواع نیازها و اهداف اجتماعی و ملی تلقی کنیم، آن‌گاه فعل سیاسی امر یا موضوعی فراقانونی است.

«تشکل‌ها» ریشه در تلاش انسان‌ها برای برآوردن انواع نیازها دارند و در شرایطی پدیدار می‌شوند که ساختارهای مدنی، سیاسی و حقوقی کارآمد برای این منظور وجود ندارد

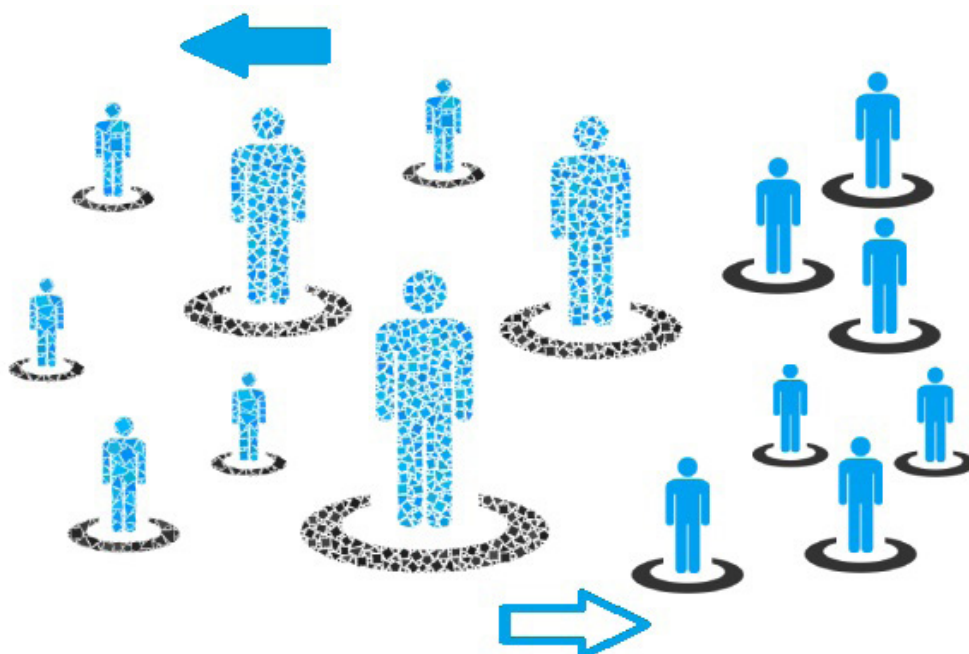
فراقانونی به این معنی که موضوع و هدف افعال سیاسی، شهروندان (انسان‌ها) هستند و از آنجا که کیفیت زیست شهروندان، دلیل وجود قوانین اجتماعی است یا به عبارتی، «شهروندان هدف» و «قوانین ابزار» هستند، پس فعل سیاسی مقدم بر قوانین هستند. اگر استدلال فوق کاربردی و منطقی تلقی شود، آنگاه طرح یک پرسش اجتناب‌ناپذیر است. اگر قوانین به هر دلیل، افعال سیاسی را محدود کنند، واکنش شهروندان چه باید باشد؟ وطن پرستان و دغدغه‌مندان ایران زمین باید به طور جد، طرح‌هایی برای اشکال کاربردی، به منظور وقوع و تداوم افعال سیاسی برای تبلور اراده و تلاش طبیعی جمعی (اجتماعی و ملی) در قالب فعل تحزب ایجاد تهیه کنند.

نظم حقوقی؟ پدیده‌ای است جمعی به منظور مدیریت، هدایت و تحقق

تلاش‌های یکایک شهروندان تحت حمایت ساختار مدیریت کلان سیاسی و دستاورد هزاران سال تجربه که منجر به درک اهمیت سازماندهی و مدیریت «تلاش جمعی» به منظور تحقق نیازهای فردی شده است. از این رو امری بدیهی است که تلاش فردی انسان‌ها مقدم بر نظم حقوقی است.

«تشکل‌ها» ریشه در تلاش انسان‌ها برای برآوردن انواع نیازها دارند و در شرایطی پدیدار می‌شوند که ساختارهای مدنی، سیاسی و حقوقی کارآمد برای این منظور وجود ندارد؛ مثلاً در جوامع اولیه و ابتدایی، انسان‌ها برای تهیه غذا، مقابله با انواع تهدیدهای طبیعی، تهیه سرپناه و... گروه‌های کوچکی را تشکیل می‌دادند؛ بنابراین ایجاد تشکل‌های گوناگون به منظور تهیه و تأمین انواع نیازهای ابتدایی (منافع)، ربطی به نوع و شکل ساختارهای مدیریت کلان سیاسی و نظم حقوقی در دوره‌های گوناگون ندارد یا به عبارتی، ایجاد تشکل‌های گوناگون به منظور تهیه و تأمین نیازهای اولیه، مقدم بر هر نظم حقوقی یا ساختار سیاسی است. به بیانی کاربردی، «تداوم فعالیت سیاسی مقدم بر شکل یا ساختار فعالیت است». شکل یا ساختار فعالیت تابع شرایط عینی زمان، مکان و اهداف و امکانات است. «تحزب»، نوع فعالیت در ساختار مبتنی بر اراده، خرد، منافع، اهداف و... جمعی (دموکراسی) است. «تشکل»، نوع فعالیت با اهداف جمعی (ملی) در ساختار حکمرانی مبتنی بر اراده، منافع و اهداف یک اقلیت است. معمولاً ساختارهای مدیریت کلان سیاسی که فاقد سازوکار تحزب به عنوان رفتاری مدنی، کم‌هزینه، پایدار و کاربردی برای مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های ملی و بهبود شرایط اجتماعی هستند، می‌تواند احزاب را محدود، مسدود یا تعلیق کنند اما امکان محدود کردن، تعلیق یا انحلال یک «تشکل» به عنوان تبلور تلاش ذاتی و طبیعی انسان‌ها برای بهبود زیست خود را ندارند.

(این مقاله قبلاً در روزنامه شرق به چاپ رسیده است ولی با توجه به اهمیت آن مجدداً در این شماره نشریه اراده ملت باز نشر می‌گردد)





گفتگو



مهدی یوسف خانی، رئیس صنف فروشندگان مرغ کشور در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

مشکلات به حدی است که به عنوان مسئول اتحادیه، از صنف ام بیزارم!



فایزه صدر

Facehsadr7@gmail.com

جایگاه صنف ما به جهت کالایی که عرضه می کنیم، در موقعیتی بسیار حساس است. مرغ در ردیف کالاهای پروتئینی، ارزان ترین محصول حاضر در سفره های مردم است. از این جهت به کالایی استراتژیک تبدیل شده و تمامی دولت ها سعی می کنند به هر نحوی که شده قیمت این کالا را مناسب نگه دارند.

مرغ در گروه پروتئینی و نان در غلات دو محصول پراهمیت است تا جایی که اهمیت تغذیه ای آن ها در مقابل اهمیت استراتژیکشان نادیده گرفته می شود و با نقشی که در ایجاد نارضایتی اجتماعی دارد سنجیده می شود. قیمت سایر کالاهای پروتئینی این وضعیت اجتناب ناپذیر است. ماهی بسیار گران است و تقریباً از سبد غذایی مردم حذف شده است. گوشت قرمز اخیراً باز افزایش قیمت داشته و همیشه قیمتش ۴ الی ۵ برابر قیمت مرغ بوده است، لذا برای همه اقشار قابل مصرف نیست و یا سرانه مصرف بسیار پایینی دارد. از این رو مرغ برای دولت کالایی پرحساسیت است و سعی دارند همیشه مرغ در بازار موجود باشد و به قیمت مناسب عرضه شود.

این نگاه ویژه و استراتژیک دولت به یک کالا چه مشکلاتی برای صنف مربوطه ایجاد می کند؟

مشکل اصلی صنف همین نگاه دولتی است. این نگاه که مرغ باید تحت هر شرایطی در بازار باشد و هر طور که شد به قیمت مطلوب و مدنظر به فروش برسد، تولیدکننده و فروشنده را متضرر می کند. از سویی به دلیل حساسیت های بالا، مأموریت تعزیرات در مورد فروشندگان مرغ جدی تر و بدون اغماض است. اعضای صنف همیشه از این نظر گله دارند.

قیمت مرغ تابع آیتم های مختلف تولید است. فروشنده هیچ تأثیری بر قیمت ندارد و کسب و کار خود او هم از افت و خیز قیمت این کالا متأثر می شود. اما فشاری روی او وجود دارد تا حاشیه سودش را نادیده بگیرد. به طور مثال همین امروز مرغ در حدود ۸ الی ۱۳ هزار تومان زیر قیمت مصوب ۶۳ هزار تومان عرضه می شود. در چنین شرایطی دولت و تعزیرات کاری به کار اعضا ندارند و نمی پرسند چرا ارزان می فروشید و چرا سودتان آن قدر پایین است؟! ولی تا کمبودی به وجود می آید و بحران مرغ در کشور جدی می شود و مرغ از مبدأ با نرخ بالاتری عرضه می شود، اعضای این صنف مشمول جرایم بسیار سنگینی می شوند. در بازارهایی مثل امروز که تقاضا بسیار پایین و عرضه زیاد است و قیمت ها



اراده ملت، فائزه صدر: تنش هایی که طی یک دهه اخیر با کمبود مرغ یا گران شدن این کالا در بازار رخ داد، نشان داد این منبع پروتئینی در امنیت غذایی، آرامش جامعه و تنظیم بازار نقش مهمی ایفا می کند. زنجیره تولید و توزیع و تأمین مرغ مشاغل زیادی را در خود جا داده است. فروشندگان این کالا یکی از صنوفی هستند که همواره از افزایش و کاهش قیمت این کالا متأثر می شوند. تعریف شدن این کالا در بین اقلام استراتژیک به نفع این صنف نبود و موجب شد نگاه ویژه دولت به تأمین مرغ، حاشیه سودشان را کاهش دهد. اراده ملت در گفت و گو با مهدی یوسف خانی، رئیس صنف فروشندگان مرغ کشور به چالش های موجود میان این صنف و حاکمیت پرداخته که در ادامه می خوانید:

در یک دهه گذشته به وضوح دیدیم که افزایش قیمت در برخی از اقلام ضروری نقش به سزایی در ایجاد نارضایتی عمومی و افزایش تنش های اجتماعی داشت. کالای عرضه شده توسط صنف شما یعنی مرغ یکی از این اقلام بحث برانگیز است. در مورد صنف خود و نسبت عملکردتان با نارضایتی های اجتماعی برای ما توضیح بدهید؟



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

مسئول این اتحادیه به دلیل مشکلات فراوانی که در این شغل وجود دارد از صنف ام بیزارم. حق این بخش نه در فروش و نه در بازار دیده نمی شود. وقتی مشکلات به حدی است که من به عنوان مسئول اتحادیه، از صنف ام بیزارم؛ چطور می توان از جوان ها انتظار داشت که در این صنف بمانند و مشکلات را تحمل کنند؟!

نگاهی که دولت به عملکرد صنف دارد، رابطه صنف با حاکمیت چگونه است؟ آیا صنف تا به حال در این زمینه مطالبه گری داشته است؟

با وزارت جهاد کشاورزی که متولی تولید کالای ما است و با وزارت صمت در ارتباط بودیم. این ارتباط نزدیک است؛ ولی آنچه برجسته است این بوده که همیشه ما در خدمت این سازمان ها بوده ایم. همیشه در تلاشیم تا دستورات و مصوبات این دو وزارت را در صنف اجرا کنیم. اگر در مجلس دعوتی باشد با جان و دل شرکت می کنیم؛ ولی نتیجه مهم است که آن ها نظراتشان را به ما می گویند و ما اصلاح می کنیم. ارتباط به این شکل است و تظاهری یک سویه دارد و ما به شکل مجری فرامین هستیم.

در مورد مالیات، اداره دارایی با ما تعامل نمی کند. فشارهای مالیاتی بر دوش اعضای صنف سنگینی می کند و مدل مالیاتی ارائه شده نه تنها منصفانه نیست؛ بلکه به معضلی برای اعضا تبدیل شده است. متأسفانه، اعضا هم از ظرفیت های قانونی بی اطلاع هستند و ارتباط مستمر و سازنده ای بین اعضا و نهادها و سازمان ها وجود ندارد. یک خلأ احساس می شود. انگار نگاه نهادهای متولی مالیات به اصناف، یک نگاه بدبینانه و بالادستی است. گویی رابطه به صورتی نهادینه شده که سازمان ها باید دستورات را تنظیم کنند و صنوف باید اجراکننده باشند.

کاهش می شود، رقابت بین اعضا وجود دارد و نمی توانند ۸٪ سود خود را از مردم بگیرند و با دو یا سه درصد سود کالای خود را می فروشند. در این ایام اعضا اعلام می کنند که جوابگوی هزینه های خود نیستند و رو به ورشکستگی می روند.

در زمانی که نرخ تعزیراتی است و قیمت مرغ بالای نرخ مصوب می شود، باید با سود حداقلی فروش داشت تا کمتر با مشکل مواجه شوند؛ چون ابزار جریمه های سنگین همیشه بالای سر این صنف است.

از این رو در هر دو حالت بازار یعنی چه در زمان کاهش قیمت و چه در زمان افزایش نرخ ها، این صنف درگیر نقش کالا بر نارضایتی و رضایت جامعه است و نمی تواند سود مصوب خود را از بازار دریافت کند.

از سوی دیگر اداره دارایی هم نگاه ویژه خود را به این صنف دارد. مالیات های سنگینی که بسته می شود متناسب با سود فروش نیست. مالیات رقم هایی را که در دستگاه کارت خوان ردوبدل می شود لحاظ می کند و توجهی به سود دو سه درصدی در فروش این ایام ندارد. اداره دارایی سال های ۹۹ و ۱۴۰۰ را یک کاسه با سود ۸٪ محاسبه می کند و مالیاتش را می خواهد و کاری به نگاه دولت به این کالا و سیاست هایی که در قبال آن اعمال می شود ندارد. اداره دارایی فضایی را که این کالا در زمان گران شدن و ارزان شدن ایجاد می کند، درک نکرده و متوجه نیست فروشنده مرغ باید در هر موقعیتی این کالا را عرضه کند. هر فروشنده مرغ یک شعبه کوچک از ستاد تنظیم بازار و ستاد بحران است و نقش کلیدی را در آرام سازی فضا در زمان بحران ایفا می کند. مسئله مکانیسم خودتنظیم بازاری است نه یک فروشنده در بخش خصوصی! ما سود قانونی خود را نمی گیریم و دو برابر سود نگرفته را مالیات می دهیم.

متأسفانه، تک تک اعضا نارضی هستند. هر کدام که توان خروج از این صنف را داشته باشند می روند و پشت سرشان را نگاه نمی کنند. خود من به عنوان



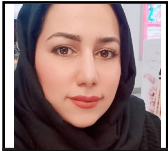
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

زهیر اصفهانی، استاد دانشگاه و تحلیلگر سیاسی در گفت و گو با اراده ملت تشریح کرد:

مسئولیت پذیری، بزرگترین ارمان احزاب



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com



اخیراً در صحبت های برخی از مسئولین نشانه های خوبی مبنی بر موافقت مقامات عالی نظام بر تشکیل احزاب و به ویژه تغییر شیوه حکمرانی از جمله تغییر به شیوه نخست وزیری و تشکیل مجالس توسط احزاب مشاهده می شود.

اما مسئله حزب به عنوان یک فرهنگ باید در درجه اول در بطن جامعه نهادینه سازی شود. متأسفانه ما مردمی هستیم که در زمینه فعالیت های اجتماعی و گروهی مهارت کافی نداریم. به عنوان یک نمونه بارز این مسئله می توان به موفقیت ورزشکاران ایرانی در رشته های فردی و در مقابل مشکلاتی که در ورزش های گروهی داریم اشاره کرد.

چندین سال قبل شاهد تشکیل شوراهای دانش آموزی در کشور بودیم این نهاد به عنوان گام اول آموزش فعالیت گروهی و به عنوان شیوه ای برای یاد گرفتن تصمیم گیری جمعی باید تقویت شود. فرهنگ تحزب باید به شکل آموزش کار کردهای جمعی و تعامل پذیری و همکاری گروهی، از سنین پایین آموزش داده شود. در این صورت می توان آینده خوبی را برای تحزب در ایران متصور شد. به هر شیوه ای که می شود و در هر نهاد و مجموعه ای باید به کار گروهی پرداخت و این فرهنگ مطلوب را گسترش داد.

نظام حزبی چگونه می تواند در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی امروز کشور یاری گر باشد؟

بزرگترین ارمان احزاب برای کشورمان، مسئولیت پذیری خواهد بود. با تشکیل احزاب درست و کارآمد و حضور آنها در صحنه سیاسی کشور، هر گروه یا شخصیتی نمی تواند زیر پرچم حزبی قرار بگیرد و با وعده هایی توخالی و شعارهای بی بنیان اقشاری را با خود همراه کند. امروز عملکرد مثبت سیاسیون به پای گروه هایی نوشته می شود که الزام ارتباط چندانی با فرد مورد نظر ندارند و اشتباهات اشخاص نیز کارنامه گروه های سیاسی، سلبیتی ها و حامیان انتخاباتی فرد را سیاه می کند در حالی که ارتباطی حزبی که رنگ و بوی مسئولیت پذیری داشته باشد بین آنها شکل نگرفته بود. آنچه در دولت قبل رخ داد از همین جنس بود.

مسئولیت حزب شامل پیگیری تحقق وعده ها و برنامه ها است و نماینده حزبی نمی تواند به راحتی از زیر بار وعده های خود شانه خالی کند. از طرفی نماینده یک حزب در عمل به وعده هایش تنها نیست و می تواند با ظرفیت برنامه ریزی حزب و نیروهای حزبی وارد عمل شود. در غیر این صورت کار یک فرد تنها وعده دادن است. توان یک فرد همین است که حرف بزند و به تهایی از پس محقق کردن وعده هایش بر نمی آید. در صورتی که وقتی حزب پای کار بیاید از توانایی ها و



اراده ملت، فائزه صدر: یکی از آرزوهای نخبگان که به عنوان نیاز کشور از آن صحبت می کنند، تشکیل نظام حزبی در ایران است. محقق شدن این آرزو بیش از یک سده طول کشیده است؛ اما با استقرار جمهوری اسلامی نیز به مرحله عمل نرسید. اما مشکلات اجتماعی و اقتصادی و مسائل بفرنجی که ایران در سیاست داخلی و خارجی اش با آنها روبرو است، نگاه به تحزب را نه به عنوان آرزوی جامعه نخبگان کشور، بلکه به شکل یک راه حل مطرح می کند. اراده ملت در گفت و گو با زهیر اصفهانی، استاد دانشگاه و تحلیلگر سیاسی به بررسی این مسئله پرداخته که در ادامه می خوانید:

از سال ۸۸ تا امروز، کشور چندین واقعه اعتراضی گسترده را تجربه کرد. واضح است که اعتراضات ۱۴۰۱ نیز آخرین نمونه از وقایع اعتراضی کشور نخواهد بود. چرا این آزمون ها در ۱۳ سال گذشته حکمرانی را به سمت تقویت نقش احزاب رهنمون نمی شود؟

متأسفانه، احزاب ایران در طول تاریخ خود به واسطه عملکرد نامناسب خود و کارکرد نه چندان موفقشان در تاریخ سیاسی کشور، سابقه ذهنی خوبی برای مسئولین باقی نگذاشته اند. ولی حزب به معنای واقعی کلمه و نه به عنوان زینت المجالس، تنها راهگشای پیشرفت و آبادانی در کشور است.

متأسفانه، در چندین سال گذشته افراد و چهره هایی خارج از چهارچوب احزاب وارد صحنه شدند و می توان صراحتاً گفت که برای حضور خود از ظرفیت احزاب سو استفاده کردند. چنین وقایعی وجهه عمومی احزاب را در سطح جامعه مختل کرد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

ظرفیت‌های یک گروه نخبه حرف می‌زنیم.

چرا حاکمیت در چهل سال گذشته از استقرار نظام حزبی اجتناب کرده است؟

از ابتدای شکل‌گیری احزاب و از مشروطه تا امروز، حزب تصویر و تجربه خوبی از خود در تاریخ کشور به‌جا نگذاشته است. در این سال‌ها با وجود تشکیل احزاب، کارکردهای مثبتی از آن‌ها مشاهده نشد و بعضاً نتیجه ناخوشایند بود.

در اواخر دوره پهلوی کار استبداد به‌جایی رسیده بود که در توهینی به دموکراسی کشور، حزب رستاخیز به‌صورت تک حزب مجاز معرفی شد که به حزب یک‌نفره معروف بود.

بعد از انقلاب تحزب رونق گرفت و نمونه خوبی مثل حزب جمهوری اسلامی وجود داشت و فعالیت می‌کرد. ولی با تحرکات خیانت‌آمیز

مجاهدین خلق و سوءاستفاده از ظرفیت‌های احزاب، فضای سیاسی کشور بسته شد. بعدها گروه‌ها، تشکلات و جبهه‌هایی آغاز به کار کردند؛ ولی نگاه مسئولین و جامعه به فعالیت‌های تشکیلاتی همچنان منفی بود و از تجارب اوایل انقلاب نشأت می‌گرفت.

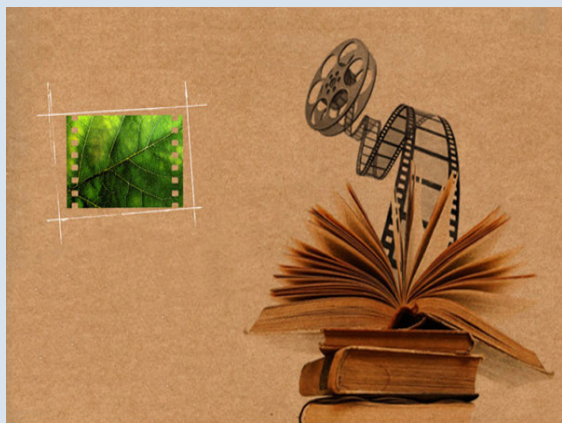
به‌جرت باید گفت اگر در آن دوره نگاه امنیتی لازمه کنترل جامعه بود؛ اما ادامه داشتن این نگاه امروز غلط است و به نفع کشور نیست. همان‌طور که امروز در سخنان مسئولین شاهد قبول این مطلب هستیم و اعتراف به لزوم حضور و فعالیت احزاب در اظهارنظرها شنیده می‌شود.

اما باید بپذیریم که احزاب در هر کشوری باید در چهارچوب قوانین و اصول آن کشور فعالیت کنند. اگر احزاب در عمل به این رویکرد خلف وعده کنند، روند شکل‌گیری ذهنیت مثبت در سیاست‌گذاران نظام و جامعه مختل می‌شود. احزاب در کشور نباید در نقش اپوزیسیون فعال شوند. بلکه احزاب بازوی دولت‌ها در کشورداری و حکمرانی مطلوب خواهند بود.





معرفی و پیشنهاد



چشم در چشم رؤیا بایست و جنگ...



راضیه گمار

r.gomar901@gmail.com

شناسنامه:

نام اثر: پادشاه زن (The woman King)

کارگردان: جینا پرینسس بایوود

ژانر: تاریخی، اکشن

سال تولید: ۲۰۲۲

محصول: آمریکا

زبان: انگلیسی

فیلم پادشاه زن، داستان داهومی که یکی از قدرتمندترین قبایل آفریقایی است را بر اساس یک واقعیت تاریخی بین قرون هفدهم و نوزدهم میلادی از آفریقایی که تحت استعمار اروپا است، بیان می کند.

این فیلم روایتگر گروه جنگجویان آگوجی است که همگی زن هستند. این زنان، گروهی هستند که پیش تر توسط امپراتوری اوئو دزدیده شده، اما ژنرال نانيسكا توانسته آن ها را نجات دهد. نانيسكا پس از رهایی زنان، شروع به آموزش آن ها می کند و ارتشی شکستناپذیر و قدرتمند از آن ها ایجاد می کند. دلیل تشکیل این گروه زنانه، کمبود جنگجویان مرد است که امپراتوری به دلیل جنگ های متعددی که داشته و تلفاتی که داده، مجبور به تشکیل یک ارتش زنانه شده است. تمرکز داستان بیشتر بر تحمل درد و نمایش قدرت در زمانی است که در طول تاریخ جنگیده اند و برای به دست آوردن آزادی از هیچ تلاشی دست نکشیده اند. در واقع نمایش بی نظیر از قدرت و شجاعت زنان برای مبارزه با اسارت و برده داری را در یک بستر تاریخی نشان می دهد.

دیدن این فیلم به مخاطبانی که دوستدار فرهنگ مردم آفریقا هستند توصیه می شود. در این فیلم شاهد روایت هایی هستیم که کمتر در کتاب های تاریخی دیده می شود. همچنین فرصتی برای آفریقا است تا سیادت و انسانیت خود را ثابت کند.

و در پایان به ما می آموزد که رمز آزادی، آموزش آدمیان است و رمز استبداد، جاهل نگه داشتن آن ها ...



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



جنبش ایده ها



علیرضامال میر

Malmira287@gmail.com

شناسنامه:

کتاب: جنبش اجتماعی چیست؟

انتشارات: نشر ثالث

نویسنده: هنک جانستون

مترجمان: مریم کریمی، سعید کشاورزی

تعداد صفحه: ۲۵۴

جنبش اجتماعی چیست؟ چگونه شکل می گیرد و چه اهدافی را دنبال می کند؟ ابزار جنبش ها برای تحقق اهدافشان چیست و چرا به شکل های متفاوتی عمل می کنند؟ چه عواملی حیات آن ها را تهدید می کند و کدام یک تسهیل؟ چگونه می توان آن ها را مطالعه کرد؟ این ها تنها برخی از پرسش هایی است که پروفیسور هنک جانستون، استاد سرشناس جامعه شناسی در دانشگاه ایالتی سن دیگو، تلاش کرده است در این کتاب به آن ها پاسخ دهد.

او در این اثر، به شکلی جامع و جذاب و همچنین با ارائه تقسیم بندی مناسب، به موضوع جنبش های اجتماعی می پردازد. در سراسر کتاب، علاوه بر ارائه مبانی نظری برای تحلیل جنبش های اجتماعی، به مثال هایی عینی و روزمره نیز پرداخته شده است و بدین ترتیب خوانندگان به صورت عملی با نحوه تحلیل جنبش ها آشنا می شوند.

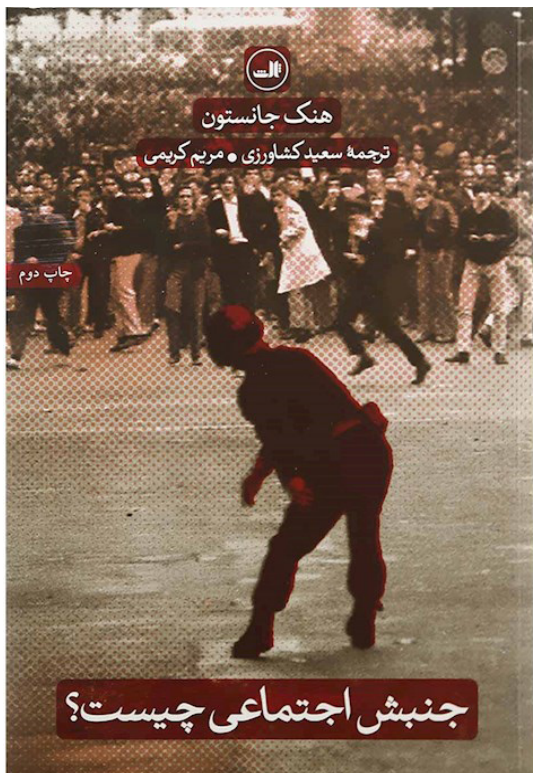
هنک جانستون معتقد است که هر جا دولت ها پاسخگو نباشند، جنبش های اجتماعی اتفاق می افتند. البته پاسخگویی یک مسئله است و چگونگی پاسخ هم مسئله ای دیگر. در بسیاری از مواقع، دولت ها پاسخ می دهند، اما نه برای اقناع یا جلب رضایت؛ نمونه هایی در تاریخ داشتیم که در همان اولین ساعات شکل گیری حرکتی اعتراضی، دولت ها با گلوله پاسخ داده اند و نمونه های دیگری هم بوده، مثل انقلاب مردم اوکراین در سال ۲۰۱۵ که بیش از نود روز از آغاز جنبش گذشته بود که اولین گلوله واقعی از سوی دولت به سمت مردم شلیک شد. این جنس تفاوت ها در برخورد دولت ها با حرکت های اعتراضی و کلیت شکل گیری جنبش های اجتماعی مختلف، همگی نیازمند شناختی در همه ابعادند.

کتاب «جنبش اجتماعی چیست؟» به دلیل اهمیت هرچه بیشتر این موضوع در زمانه ما، خواندنش هم برای حاکمان و هم مردم، الزامی است. کتاب در هفت فصل، چستی جنبش های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، کار کردهایشان و سمت و سویی که داشته و خواهند داشت را بررسی کرده و به خوبی توضیح داده است.

برای بیان اهمیت و جایگاه این کتاب به گفته های دکتر کشاورزی توجه می دهیم که طی مصاحبه در مورد ترجمه این کتاب می گوید: ترجمه این کتاب، نخست به دغدغه خودم در حوزه جنبش های اجتماعی برمی گردد. سال ها قبل که کارم را روی رساله دکترایم در زمینه جنبش های اجتماعی آغاز کردم، متوجه فقدان کتاب های دست اول در این زمینه شدم. نه تنها آثار ترجمه ناکافی بودند؛ بلکه در میان آثار اصلی نیز اثری که بتواند به شکلی مناسب مباحث مربوط به جنبش های

اجتماعی را در حجمی متناسب پوشش دهد وجود نداشت. تا اینکه همین چند سال پیش با خبر شدم هنک جانستون که یکی از محققان سرشناس در این زمینه است، کتابی تألیف کرده است. این کتاب، مباحث جنبش های اجتماعی را تا جای ممکن به صورت همه جانبه، مورد بررسی قرار می دهد و به اعتراف محققان مشهور جنبش های اجتماعی، یکی از بهترین کتاب ها در این زمینه است.

جانستون می گوید: «جنبش اجتماعی»، پدیده ای منحصر به فرد است و هر تغییری رانمی توان جنبش اجتماعی نامید. در جنبش های اجتماعی مردمانی که به آن می پیوندند به صورت هدفمند و استراتژیک، آن را رهبری می کنند. در نتیجه شکل گیری بسیج های مردمی در طول تاریخ، جهت در معرض تماس قرار دادن نخبگان با مردم عادی و طرح مطالبات جامعه یک ضرورت بوده است

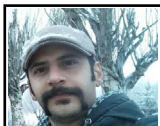


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

چه زود هست‌ها بود می‌شوند



حامد نامجو

Hamed.namjoo@gmail.com

او همچنین موسیقی را با یادگیری آواز در سال‌های اولیه دهه ۷۰ آغاز کرد. مختاباد در سال ۱۳۸۹ و به رغم آنکه خود مسئولیت برگزاری ۱۶ مجمع عمومی خانه موسیقی را عهده‌دار بود، از شرکت و نامزدی در دوره بعدی خودداری کرد. بعدها او به عنوان یکی از منتقدان اصلی خانه موسیقی به نقد این نهاد پرداخت.

ابوالحسن مختاباد در زمینه نشر هم یادداشت‌ها و نوشته‌هایی داشته است که ماحصل آنها در کتابی به نام «نشر و نوشتار» از سوی خانه کتاب ایران به بازار نشر عرضه شد.

مهرداد خدیر درباره خاطرات همکاری با مختاباد می‌گوید: «با خاطره صدای تو چه کنم که از جلسات هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران در گوش‌هایمان مانده است؟ در خانه روزنامه‌نگاران که سعید مرتضوی در نیمه تابستان ۸۸ از بیم یا به بهانه تبدیل مجمع به تجمع بست و حضور ابوالحسن مختاباد در فعالیت‌ها و مدیریت صنفی و سردبیری تارنمای انجمن از گواهان موثق بود بر این گزاره که این نهاد تا چه حد صنفی است و داعیه صنفی نبودن تا چه حد یالوه و اگر در برابر توقیف و بازداشت موضع می‌گرفت نیز صنفی بود نه سیاسی. چون سیاسی آن است که رفتار معطوف به قدرت داشته باشی و برای کسب و بسط و حفظ قدرت بکوشی و گرنه مگر می‌توان انتظار داشت در مقابل توقیف و بازداشت نهاد صنفی ساکت بماند و تماشا کند؟ ابوالحسن مختاباد با این نگاه، غیر سیاسی‌ترین عضو هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران و در عین حال در دفاع از حقوق صنفی و مدنی اعضا از فعال‌ترین‌ها بود. نوشتن «بود»، چه زود مرگ را باور می‌کنیم با همه مهابت آن و چه زود هست‌ها بود می‌شوند. ابوالحسن مختاباد اما هستن را با صدای هستن و لذت نوشتن معنی می‌کرد با موسیقی پژوه و موسیقی‌نویسی. هم انجمن بسته شد (و نه منحل) و هم او به خاطر همراهی همسر روانه ینگه دنیا شد اما نه صفای خود را فرو گذاشت و نه ارتباط خود را با مطبوعات و رسانه‌ها گسست».

ابوالحسن مختاباد نویسنده، منتقد، پژوهشگر موسیقی و روزنامه‌نگار و فعال صنفی در سن ۵۳ سالگی و به طور ناگهانی در گذشت. ابوالحسن مختاباد ساکن آمریکا بود.

سید ابوالحسن مختاباد سال‌ها بود از ایران رفته بود، اما همچنان رابطه خویش را با فرهنگ و هنر این مرز و بوم قطع نکرده بود. وی یکی از روزنامه‌نگاران شناخته‌شده بود که درباره مسائل روز فرهنگ ایران، درباره تئاترهایی که بهرام بیضایی در آمریکا اجرا می‌کرد، درباره علاقه‌مندان فرهنگ و هنر ایران که در گوشه و کنار جهان فعالیت می‌کنند، می‌نوشت و تحلیل ارائه می‌داد. و مدتها برای چند نشریه خارجی می‌نوشت.

در تابستان سال ۱۳۷۲ به کار در نشریه تازه تاسیس ری به مدیر مسئولی احمد پورنجاتی مشغول شد. بهمن همان سال با کار در بولتن جشنواره تئاتر فجر، کار حرفه‌ای خود را آغاز کرد و سپس در بهار سال ۱۳۷۳، به عنوان عضو تحریریه روزنامه همشهری وارد این روزنامه شد و مدتها در همشهری آنلاین کار کرد. او مدتی با کتاب هفته، روزنامه کارگزاران، روزنامه صبح امروز، روزنامه آفتاب امروز (دبیر گروه اندیشه)، خبرنامه خانه موسیقی (سردبیر)، هفته‌نامه آتیه (زیر نظر سازمان تأمین اجتماعی به عنوان دبیر گروه ادب و هنر) و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران (سردبیر سایت) همکاری داشت. او در بهمن ۱۳۹۱، از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد خود در رشته علوم ارتباطات اجتماعی با موضوع «نقش اخلاق حرفه‌ای در توسعه روزنامه‌نگاری از دیدگاه سردبیران مطبوعات و استادان علوم ارتباطات» دفاع کرد.

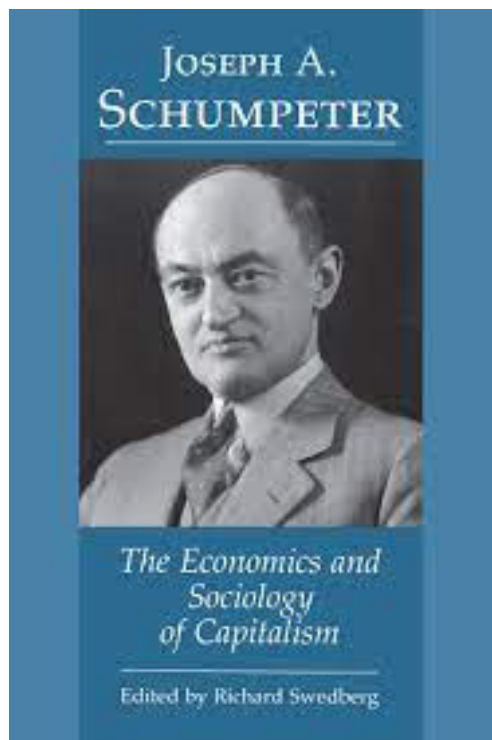
مختاباد فعالیت صنفی در حوزه موسیقی را با انتخاب به عنوان بازرس کانون پژوهشگران خانه موسیقی در سال ۸۱ آغاز کرد و سپس در کنار سردبیری نشریه خبری این نهاد، در دوره‌های بعد به عنوان عضو (۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵)، نایب‌رئیس (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷) و رئیس هیئت‌مدیره (۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹) این کانون انتخاب شد.

او دبیری سمینار بررسی سه دهه موسیقی ایران را در هفت میزگرد در جشنواره موسیقی فجر سال ۱۳۸۷ بر عهده داشت که به درخواست کامبیز روشن‌روان به عنوان دبیر جشنواره این میزگردها را برگزار کرد.

او همچنین دو دوره متوالی از سوی مجمع عمومی خانه موسیقی به عنوان بازرس اصلی این نهاد صنفی انتخاب شد و نیز نهادینه کردن و برگزاری چند دوره کتاب و آلبوم سال خانه موسیقی از ابتکارات صنفی او به‌شمار می‌رود.



جوزف شومپتر و تخریب خلاق



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

جوزف شومپتر اقتصاددان آلمانی-اتریشی در هشتم فوریه سال ۱۸۸۳ میلادی (۱۹ بهمن ۱۲۶۱ خورشیدی) زاده شد و در هشتم ژانویه ۱۹۵۰ میلادی (۱۸ دی ۱۳۲۸ خورشیدی) درگذشت. او در سال ۱۹۱۹ برای مدتی وزیر اقتصاد آلمان منصوب شد. در سال ۱۹۳۲ به آمریکا مهاجرت کرد و استاد دانشگاه هاروارد شد. مفهوم تخریب خلاق (Creative Destruction) را شومپتر در سال‌های دهه ۱۹۵۰ با الهام از تئوری‌های کارل مارکس طرح کرد و با آن کوشید تا نوآوری اقتصادی و چرخه کسب و کار را حلاجی کند. او معتقد بود که این سازوکار ساختار اقتصادی را از درون متحول می‌کند. یک شرایط قدیمی را به‌طور مدام قدیمی نابود می‌کند و یک ساختار نو می‌سازد. مارکس چنین مفهومی را درباره فرایندهای مرتبط با انباشت و نابودی ثروت در سیستم سرمایه‌داری به کار برده بود. تخریب خلاق به‌سادگی می‌تواند پیشرفت به روش بازار آزاد را توصیف کند. این مفهوم بیان می‌کند که از طریق ایجاد مداوم تغییر در وضع موجود، می‌توان باعث ثروتمندتر کردن جوامع شد. کارفرمایان مسئول از دید ظرفیت تولید و سرمایه هستند و به دلیل خطرپذیری‌شان در بازار رقابتی، باعث توسعه کالاهای جدید می‌شوند. مشابه این مفهوم را در دیگر علوم نیز می‌توان پی گرفت. برای مثال داروین در سال ۱۸۵۹ در کتاب منشأ انواع خود نوشت: «انقراض اشکال قدیمی، تقریباً نتیجه اجتناب‌ناپذیر تولید اشکال جدید است».

جوزف شومپتر از مهم‌ترین اقتصاددانان قرن بیستم به شمار می‌رود؛ و دست کم ۳۶ کتاب و همچنین ده‌ها مقاله منتشر کرده است؛ اما تنها چند کتاب محدود در زبان فارسی از وی ترجمه و منتشر شده است:

کاپیتالیزم، سوسیالیسم و دموکراسی، حسن منصور، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۵
تاریخ تحلیل اقتصادی، دوره سه‌جلدی، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۰
اندیشه‌های اقتصادی والراس، منگر و مارشال، نشر آماره، تهران، ۱۳۹۵
ده اقتصاددان بزرگ، نشر آماره، تهران، ۱۳۹۵
مارکس، نشر آماره، تهران، ۱۳۹۵
کینز، نشر آماره، تهران، ۱۳۹۵

بنیان‌های آموزش موسیقی، نظری به اندیشه‌های ادگار ویلمز



محمد هادی خوشکلام

mohammadhadikhohkalam95@gmail.com

پیوند برقرار کند، ریتم و صدا در آواز با یکدیگر وحدت می‌یابند. به این ترتیب هوش موسیقایی، تصویرپردازی صوتی و زیرمجموعه‌های مستقیم آن و ملودی می‌باید از عوامل اساسی و محور پرورش موسیقایی قرار گیرند. ملودی همان‌طور که امروزه آهنگ‌سازان به آن معتقدند همواره عامل اصلی و مشخص‌ترین عامل موسیقی باقی می‌ماند؛ اما در واقع از ماهیت پیش موسیقایی همچون ارتعاشات صوتی بهره‌مند است.

در میان خردسالان که استاد موسیقی باید به آن‌ها بپردازد افرادی پیدا خواهند شد که توانایی خواندن آواز و یا حتی تکرار درست یک صدا را نیز نداشته باشند، توجه این کودکان را می‌توان با سازهای کوچک و متنوع به موسیقی جلب کرد. در ابتدا کنجکاوی و به دنبال آن علاقه، کودک را به تقلید و شناخت صدا خواهد کشید. به یقین انتخاب تعداد قابل توجهی از سازهای مختلف، مطابق با ذوق و سلیقه کودک، در مواقع ضروری هر چند که این مواقع کم باشند نیاز او را به تنوع و گوناگونی برآورده خواهد ساخت.

از نظر شنیداری کودکان به مراتب بهتر از بزرگسالان به پدیده‌های صوتی واکنش نشان می‌دهند. از این نظر موارد اعجاب‌برانگیز کم نیستند که از نظر روان‌شناسی نیز مواردی جدی برای تحقیق در شنوایی محسوب می‌شود؛ بنابراین می‌توان سنین کودکی را بهترین سن برای پرورش گوش از نظر موسیقایی به حساب آورد و یکی از عوامل اولیه است که موسیقی توسط آن معنا پیدای کند و از همین دیدگاه شایستگی آن را دارد که مورد توجه قرار بگیرد. بسیار مهم است که کودک قبل از آن که عوامل موسیقایی را به صورت آگاهانه بشناسد با آن‌ها زندگی کرده باشد. بخش غم‌انگیز آموزش و بهر حال مشکل اصلی در چگونگی گذر از زندگی غریزی و طبیعی به زندگی آگاهانه و شعوری نهفته است.

از این دیدگاه، آواها که یک فرایند موسیقی ناخودآگاه هستند از بیشترین اهمیت برخوردارند. برای کودک آواز خوانان تنها یک تقلید صرف نیست، آواز در کودک استعداد‌های موسیقایی ذاتی و گاه ارثی مانند حس ریتم، سرعت، تقسیمات دوتایی و سه تا زمان، فواصل ملودیک و ارزش‌های نهفته در کلام و حس شعری را بیدار می‌سازند

در ادامه‌ی مباحث مطرح‌شده در جلسات قبل پیرامون مسئله مهم و بنیادین آموزش موسیقی، در این بخش به صورت بسیار اجمالی به اندیشه‌های ادگار ویلمز که یکی از بزرگ‌ترین مربیان موسیقی کودک و از پیشگامان آن در جهان است خواهیم پرداخت.

بسیاری از کودکان اولین اشاره‌ها و آموزش‌های موسیقی را در مدارس ابتدایی فرامی‌گیرند. با این حال آموزش موسیقی می‌تواند بسیار زودتر یعنی در سنین ۳ یا ۴ سالگی خواه در مهدکودک‌ها و خواه به صورت خصوصی آغاز شود. برانگیختن شعور موسیقایی در کودکان به‌ویژه در خردسالان برای معلم نیز از جذابیت خاصی برخوردار است. تمامی نمونه‌های اولیه موسیقی در حقیقت بیش از آنکه به حیطه آموزش موسیقی مربوط باشند در قلمرو آموزش عمومی خردسالان قرار می‌گیرند. افراد خانواده به‌ویژه مادر کسانی هستند که می‌توانند در بیدارسازی حواس شنوایی و ریتمی کودک نقش ایفا کنند، این نقش می‌تواند مهم و گاه حتی تعیین‌کننده باشد. مادر می‌تواند توجه کودک را به پدیده‌های صوتی و ریتمیک جلب کند و اولین آواها را در قالب لالایی‌ها و ترانه‌های بازی و غیره به او بیاموزد. گاهی بعضی از کودکان کمتر از دو سال پیش از آن که توانایی کامل صحبت کردن را داشته باشند، قادر به خواندن تعدادی آواز هستند. امروزه شمار مربیان و معلمان تربیتی که به خردسالان در ارتباطات هستند و از بیدارسازی حسی موسیقی در کودک، آشنایی با عوامل صوتی محیط زندگی و آواز خواندن بهره می‌برند روبه افزایش است.

در حدود سنین ۳ تا ۴ سالگی معلم موسیقی می‌تواند آماده‌سازی جدی و پیگیر موسیقایی کودک را آغاز کند، در کار با خردسالان است که به طور مشخص توانایی‌های روان‌شناسانه مربی موردنمایش قرار می‌گیرد. در حقیقت بسیاری از روش‌های آموزش و چگونگی برخورد، فقط با برقراری ارتباط و کار با کودک به دست می‌آیند. چرا که تنها در این سنین است که زندگی با تمامی نمونه‌های آن به گونه‌ای ناب حضور دارند. در این مجموعه است که می‌بایست علاقه کودک موسیقی به کوشش مربی برانگیخته شود.

ریتم اولین مکان را از میان عوامل بنیانی به خود اختصاص می‌دهد؛ اما در عمل نقطه آغازین تلاش‌های تربیتی پدیده صوت است. صدا می‌تواند با حرکات بدن



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



نغمه روسپی



مرتضی صادقیان

نمادهای این شعر، سنتی هستند. مثل رخ و زلف و بوی مشک. اما توصیفی از یک معشوقه سنتی در میان نیست. زنی که سیمین در این شعر باز می نماید، روسپی است و شعر بیش از آن که به بدن آن بپردازد، به آنچه در قلب این زن بینوا می گذرد، می پردازد. زن روسپی اگر جام شرابی می طلبد، برای سرپوش گذاشتن بر اندوه درونی است و نه به قصد شاد خواری و سرمستی. چه، برای زنده ماندن باید خود را همواره سرزنده و شادابی جلوه دهد تا بتواند در چشم مرد خریدارش خواستنی شود.

بهبهانی شعر خود را «سخن دل» می نامد و بر آن است که هیچ گاه به وقت سرودن «باکسی جز آنکه در قلب» اوست هم سخن نشود. «نغمه روسپی» با همه دل انگیزی اش دشواری های کار یک زن شاعر سنت شکن در روزگار کنونی را واهی نماید؛ شاعری که با آگاهی از شرایط ناهموار اجتماعی زنان، لبان شیرینش زنهار می دهد تا بی پروا هر آن چه را در دل می گذرد در سخن آشکار نکنند. گوئی این شعر که از زبان آن روسپی بینواست پندی نیز برای زن شاعر نهفته دارد. زن روسپی در شعر بهبهانی، زنی آگاه و پر اراده است؛ اما این خصوصیات، او را به ویرانگری می برد. او به یاری این اراده همه نشانه های غم های درون را در پس پرده راز پنهان می کند تا حریف خریدار را شاد کند.

نغمه روسپی درآمدی بر اندیشه ورزی و دل بستگی ادبی بهبهانی به شیوه نگاه و تفکر زنان در روزگار طوفانی ایران مدرن است. بهبهانی، اما، در سفر خویش به سرزمین «شعر زنانه»، به زن گلوئی برای آواز می دهد تا تداعی را که در جامعه مردسالار شنیده نمی شود، به زبان آورد. بازنمایی های او از حال و روز زنان نه چند و چون جلوه های بدنی که کشاکش های درونی در روح زنان را می گوید.

بخش هایی از شعر نغمه روسپی:

بده آن قوطی سرخاب مرا
تا ز نم رنگ به بی رنگی خویش
بده آن روغن، تا تازه کنم
چهره پژمرده ز دل تنگی خویش

بده آن عطر که مشکین سازم
گیسوان را و بریزم بر دوش
بده آن جامه ی تنگم که کسان
تنگ گیرند مرا در آغوش

...
بده آن جام که سرمست شوم
به سیه بختی خود خنده زدم
روی این چهره ی ناشاد و غمین
چهره ئی شاد و فریبنده زدم

...
پرکس بی کسم و، زین یاران
غمگساری و هواخواهی نیست،
لاف دلجوئی بسیار زنند
لیک جز لحظه کوتاهی نیست

نه مرا همسر و هم بالینی
که کشد دست وفا بر سر من
نه مرا کودکی و دلبندی
که برد زنگ غم از خاطر من

آه، این کیست که در می کوبد؟
- همسر امشب من می آید!
وای، ای غم، ز دلم دست بکش
کاین زمان شادی او می باید!



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶
۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

نگاهی به ارتفاع کاران

مردان و زنان عنکبوتی

صحنه‌های مکرری در فیلم‌های هالیوودی را شاهد بودیم که یک ارتفاع کار هنگام شستن شیشه‌های یک برج، دختران زیبایی واحد را هم به تماشانشسته و در مواقع لزوم همچون اسپایدر من از یک سوی برج راه سوی دیگر بر فراز شهر به پرواز درآمده است. این‌ها مابدون تردید، تصاویر خیالی و تحریف شده از چنین فعالیتی است. نمایشی برج‌های بلندمرتبه و کار و خدمت در ارتفاعات، شغل یا خدماتی است که در قرن اخیر جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. نیاز به این خدمات از زمان سر بر آوردن ساختمان‌های بسیار مرتفع با نماهای متنوع و شیشه‌های بیش از پیش احساس گردید. با ساخت و ساز این ساختمان‌های بلندمرتبه نه فقط نظافت و زیباسازی این غول‌های آجر و آهن که خدمات حیاتی دیگری هم خودنمایی کرد. تعمیرات، محکم کاری مصالح، بازسازی، ایمن سازی، بازبینی، یا حتی نصب و نیازهای مشابه دیگر، سبب شد که علی‌رغم دشواری چنین شغلی، به یکی از مشاغل رایج و مهم در جامعه بدل گردد. آیین نامه ایمنی کار در ارتفاع، هر کار با فعالیتی که موقعیت انجام آن در ارتفاع بیش از یک و دودهم متر نسبت به سطح مبنا انجام شود مشمول قوانین کار در ارتفاع می‌گردد.

چه در کلان شهرهای ایران خودمان و چه در سفرهای کاری و توریستی به پایتخت‌های بزرگ جهان، با مشاهده برج‌هایی که ارتفاع آن‌ها از ۱۰ طبقه بالاتر رفته است، این سؤال به ذهن ما خطور می‌کند که چطور این برج‌ها نگهداری و تمیز می‌شوند؟

کار در ارتفاع با ابزار و روش‌های مختلفی صورت می‌گیرد که بسته به هدف کار، نوع نما و ساختمان و توانایی نیروهای خدماتی مربوطه دارد. یکی از روش‌های ابتدایی برای نظافت نمای ساختمان استفاده از داربست است که به خاطر هزینه و زمان امروزه کمتر مورد استفاده است. روش دیگر کار با کلاimer است. کلاimer یک وسیله مشابه بالابر است. فرد روی آن قرار می‌گیرد و به سمت بالا هدایت می‌شود که به وسیله ریموت کنترل می‌شود. روش دیگری هست با عنوان کار با تلی اسکوپ؛ این تلی‌ها بلند و کوتاه می‌شوند و شلنگی به آن متصل است تا بتوان قسمت‌های بالای ساختمان را به راحتی تمیز کرد. از این روش بیشتر برای ترمینال‌ها و فرودگاه‌ها استفاده می‌شود. استفاده از واترجت نیز یکی از روش‌های این نوع خدمت‌رسانی است. هدایت آب با فشار شدید به سمت بخش‌ها و سازه‌هایی که قصد تمیز کردن یا پاک‌سازی آن را داریم. در نهایت به کار با راپل اشاره می‌کنیم. راپل یا همان دسترسی با طناب که در گذشته‌های دور فقط در کوهنوردی، صخره‌نوردی، پرش از ارتفاع و سنگ‌نوردی استفاده می‌شد، اما تغییر پرشتاب سبک زندگی مدرن ما، راپل کاری را از حوزه ورزش فراتر برد. راپل کاری امروزه در آتش‌نشانی و مشاغل نظامی نیز کاربردهای فراوانی دارد. سرعت خدمت در ارتفاع با طناب و راپل بسیار بالاست، لذا آن را به روشی به صرفه تبدیل کرده است.

شاید نخستین شرط لازم برای کار در ارتفاع، نترسیدن از ارتفاع باشد. اگر با ارتفاع مشکل دارید، حتماً برای چنین شغلی بادشواری‌های زیادی روبرو هستید. افرادی که در ارتفاع کار می‌کنند باید از وضعیت جسمی و روانی مناسبی برخوردار باشند. ابتلا به برخی بیماری‌ها ما را از اشتغال در این حوزه، قطعاً منع می‌کند. شجاعت، تمرکز، دقت و چالاکی در واکنش، به شاغلین این امر کمک می‌کند که کمتر دچار حادثه شوند و درست‌ترین تصمیمات را در هنگام حوادث بگیرند. استفاده از تجهیزات سالم و مناسب از الزامات حیاتی کار است. هر گونه بی‌دقتی و سهل‌انگاری می‌تواند به قیمت جان ما تمام شود. کار در ارتفاع به شرایط آب‌وهوایی نیز ارتباط مستقیمی دارد. در زمان بارش برف، باران، وزش باد و شب‌هنگام نباید دست به چنین خدماتی زد. در کمال تأسف سقوط، مهم‌ترین عامل مرگ و میر و تلفات شاغلین در این خدمت است.

مشاغل دور از نظر

تهیه شده توسط کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

آلودگی هوا و مشکلات آن

عوامل ایجادکننده آلودگی هوا



آلودگی
هوای داخل
محیط بسته



فعالیت های
معادن و استخراج
مواد معدنی



فعالیت های
کشاورزی و
مواد شیمیایی



گازهای خروجی
کارخانه ها
و منابع



سوزاندن
سوخت های
فسیلی

توصیه های بهداشتی در مواجهه با آلودگی هوا



استفاده از
ماسک مناسب



عدم استعمال
دخانیت



مصرف میوه
و سبزیجات



شستشوی صورت
با آب و صابون



عدم خروج
ضروری از منزل

برخی اثرات مخرب و مضر آلودگی هوا بر سلامت

خطر سقط
جنین

کاهش
باروری

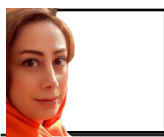
بیماری
قلبی

بیماری
رئیتی

بیماری
ام اس

بیماری
آلزایمر

بیماری
ذات الریه



مهشید قاسمی

gha3mg.m@gmail.com

تحقق هوای پاک، حقوق عامه، اراده ملی

در سال های اخیر آلودگی هوا در ایران به یک بحران جدی تبدیل شده است که متأسفانه عدم توجه دولت به عوامل ریشه ای آلودگی هوا در آینده منجر به بحران اجتماعی و اقتصادی در مناطق مختلف کشور خواهد شد. آلودگی هوا از مسئولیت های اصلی حاکمیت است که باید در قبال آن پاسخگو باشد و پیگیر اجرایی شدن قانون هوای پاک از دستگاه های متولی باشد. طبق قانون هوای پاک ۲۰ دستگاه متولی اجرایی این قانون هستند که هیچ گونه اقدام مؤثری در این خصوص نداشته اند. عملکرد و راهکارهای ارائه شده برای کاهش و جلوگیری از آلودگی هوا از سوی حاکمیت و دولت مقطعی و ناکارآمد و متناسب با وضعیت بحرانی کشور نیست. با افزایش مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا و اثرات منفی بر مسائل بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی در جامعه همه شهروندان باید مطالبه گر هوای پاک باشند. در این شرایط وظیفه حکومت و دولت است که برای رفع هر تهدیدی و حمایت از شهروندان اقدام کند و امنیت آن ها را تأمین و تضمین کند. ۲۹ دی ماه روز ملی هوای پاک نام گذاری شده است، امسال نیز مانند رسم هر ساله سازمان حفاظت محیط زیست به انتخاب یک شعار "تحقق هوای پاک، حقوق عامه، اراده ملی" به جای آموزش و فرهنگ سازی در این روزهای خاکستری بسنده کرده است.

بحران آلودگی هوا، جدی ترین پیامد تخریب محیط زیست است که امنیت شهروندان را از جنبه های مختلف سلامتی، اقتصادی و اجتماعی با مشکل مواجهه کرده است. دو منشأ اصلی آلودگی هوا یکی گردوغبار ناشی از پدیده فرسایش خاک و دیگری افزایش آلاندهای جوی (ذرات معلق ناشی از سوخت های فسیلی و آلودگی های صنایع) است، اگرچه عوامل دیگری همچون تغییر اقلیم، کاهش ضخامت لایه ازن، عوامل فرامرزی و ... نیز در ایجاد این مشکل نقش به سزایی دارند. در اینفوگرافیک این هفته که توسط خبرگزاری ایمنآ تهیه شده است به بررسی علت بروز آلودگی هوا، اثرات و توصیه های بهداشتی در مواجهه با آلودگی هوا پرداخته است.

آلودگی هوا تهدیدی برای سلامتی هم شهروندان است. در چندین هفته گذشته در تهران به مرز خطرناک و ناسالم برای همه گروه ها رسید و در سایر شهرها برای گروه های آسیب پذیر، سالمندان و کودکان مشکلاتی را به وجود آورد که توصیه می شود علاوه بر کاهش فعالیت و در خانه ماندن در روزهای آلوده، از شیر و لبنیات، میوه و سبزی ها و مایعات بیشتر مصرف شود.

با تشدید آلودگی هوا صنایع آلاینده تعطیل می شود که باعث افزایش بیکاری و کاهش فعالیت اقتصادی در جامعه می شود.



رویدادهای منتخب جهان



جهان در هفته‌ای که گذشت

تندروی سوئدی مجوز داد، فردا شنبه نسخه‌ای از قرآن کریم را در مقابل سفارت ترکیه بسوزاند.

هلاکت سرکرده داعش و دو نفر از همراهانش در عملیات حومه درعا



به گزارش خبرگزاری رسمی سوریه (سانا) نیروهای امنیتی سوریه روز جمعه به مقر سازمان تروریستی (داعش) در مجاورت یک مدرسه در محله شمالی شهرک «المزیرب» یورش بردند و مستقیماً با آن‌ها درگیر شدند که به کشته شدن «محمدعلی الشغوری» ملقب به ابو عمر الشغوری سرکرده تروریست‌ها منجر شد. وی یکی از رهبران باقی مانده داعش در حومه غربی درعا و مسئول ترورها و حملاتی به این منطقه بود. این منبع افزود: در این عملیات همچنین دو تن از همراهان الشغوری به نام‌های احمد خالد المصری و محسن زیتاوی به هلاکت رسیدند و سلاح‌های آن‌ها نیز کشف و ضبط شد.

انهدام ۴ مقر داعش در حمله هوایی



به گزارش خبرگزاری رسمی عراق (واع) یگان خبری امنیت عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد: با پیگیری میدانی و تلاش‌های اطلاعاتی، سازمان اطلاعات ملی عراق با هماهنگی یگان هدف‌گیری فرماندهی عملیات مشترک و تحت نظارت معاون عملیات مشترک، موفق به شناسایی چهار

گروسی: جنگ هسته‌ای هیچ برنده‌ای نخواهد داشت



به گزارش تاس، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به استفاده از تسلیحات اتمی در جنگ میان اوکراین و روسیه هشدار داد. «رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امروز جمعه در مصاحبه‌ای با شبکه فاکس نیوز ابراز امیدواری کرد که از سلاح‌های هسته‌ای در درگیری در اوکراین استفاده نشود. مدیرکل آژانس بین‌المللی اتمی در خصوص اظهارات اخیر «دیمیتری مدودف» نایب رئیس شورای امنیت ملی روسیه در خصوص تلاش غرب برای توسل به سلاح اتمی در جنگ اوکراین، گفت که در یک جنگ هسته‌ای هرگز نمی‌توان برنده شد و هرگز نباید وارد آن شد. گروسی متذکر شد: من اظهارات مقامات عالی هیچ کشوری را قضاوت نمی‌کنم. به‌طور قطع امیدوارم در این درگیری هیچ استفاده هسته‌ای رخ ندهد.

ترکیه سفیر سوئد را در پی دادن مجوز امانت به قرآن احضار کرد



وزارت امور خارجه ترکیه، سفیر سوئد در آنکارا را در پی مجوز مقامات سوئدی به برخی برای سوزاندن قرآن کریم در مقابل سفارت ترکیه در استکهلم احضار کرد. به گزارش روسیا الیوم، ترکیه به سوئد درباره فعالیت‌های تبلیغاتی محافل مرتبط با پ.ک.ک در استکهلم هشدار داد و آن را نقض آشکار یادداشت سه‌جانبه دانست. پلیس سوئد به یک فرد



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

مطلب آمده است: عربستان به منظور تنوع بخشیدن به درآمد خود مطابق با اهداف ذکر شده در سند چشم انداز ۲۰۳۰ این کشور، میلیاردها دلار به بخش هوانوردی تزریق می کند، زیرا گردشگری قرار است یکی از ستون های اصلی اقتصاد ریاض در آینده باشد. این برنامه ها شامل ایجاد یک فرودگاه جدید در ریاض و یک خط هوایی جدید متعلق به صندوق سرمایه گذاری عمومی (PIF؛ صندوق العامة) به عنوان صندوق ثروت دولتی عربستان سعودی است که دارایی هایی به ارزش ۶۰۷ میلیارد دلار تحت مدیریت دارد. شرکت هواپیمایی فلائی ناس مستقر در ریاض به دنبال افزایش ناوگان موجود خود به ۲۵۰ فروند و همچنین اضافه کردن مدل های پهن پیکر مانند بوئینگ ۷۸۷ و ایرباس SE A350 است. در اوایل ژانویه، flynas فاش کرد که رشد سالانه عملکرد خود را در طول سال ۲۰۲۲ دو برابر کرده است. تعداد مسافران با ۹۱ درصد افزایش به ۸.۷ میلیون نفر و تعداد پروازها با ۴۵ درصد افزایش به ۶۶۰۰۰ پرواز رسیده و تعداد صندلی ها نیز ۴۶ درصد افزایش یافته است. استراتژی بخش هوانوردی ملی عربستان افزایش مسیرهای حمل و نقل هوایی به ۲۵۰ مقصد و افزایش ظرفیت مسافران به ۳۳۰ میلیون نفر و افزایش دوبرابری ظرفیت بار به ۴.۵ میلیون تن تا سال ۲۰۳۰ است. فلائی ناس که پرواز خود را با نام ناس ایر در سال ۲۰۰۷ آغاز کرد، تحت مالکیت شرکت Kingdom Holding، متعلق به شاهزاده ولید بن طلال میلیاردی عربستان است.

داعش سه چوپان را در صلاح الدین ربود



به گزارش «شوق نیوز» چهار چوپان هنگام عبورشان از نزدیکی محل حضور داعش در منطقه میان «العیث» و بخش «مطیبیجه» در شرق صلاح الدین به دام عناصر این سازمان افتاده و ربوده شدند. یکی از چوپان های ربوده شده موفق به فرار از دست عناصر داعش شد؛ اما سه نفر دیگر توسط این سازمان به مقصد نامعلومی منتقل شدند. این منبع افزود: نیروهای مشترک تکاوران عملیات صلاح الدین، الحشد الشعبی و حشد عشایری عراق، عملیات جست و جو و بازرسی را برای آزادی ربوده شدگان آغاز کردند و گله های این چوپان ها را بدون هیچ اثری از آنان پیدا کردند. روز جمعه مقامات امنیتی و محلی هشدار دادند که داعش برای تأمین مالی حضور خود به نقشه آدم ربایی بازگشته است و یا از اختلافات طایفه ای برای اجرای نقشه های خود سوء استفاده می کند.

مخفیگاه تروریست ها در شمال منطقه «الطوز» شد. این بیانیه می افزاید: خلبانان ما با جنگنده های F16 حملات دقیقی انجام دادند که به انهدام این مخفیگاه ها و کشته شدن عناصر تروریستی در آن ها منجر شد.

۵ زخمی بر اثر انفجار در دیالی



به گزارش «بغدادالبوم» منابع امنیتی عراق اعلام کردند: یگان رزمی ارتش که در مجاورت زمین های زراعی نزدیک منطقه «الغالبیه» (۱۹ کیلومتری شمال غربی بعقوبه) مشغول انجام عملیات پاک سازی بود، در معرض انفجار یک بمب قرار گرفته و ۵ نظامی زخمی شدند. این منبع افزود: نیروهای امنیتی محاصره شدیدی را در منطقه انفجار اعمال کردند و با پیش بینی وجود بمب های دیگر در منطقه، عملیات جست و جو و تحقیق را آغاز کردند.

یک شرکت هواپیمایی عربستانی به دنبال تبدیل شدن به بزرگ ترین شرکت ارزان قیمت خاورمیانه



شرکت هواپیمایی ارزان قیمت فلائی ناس عربستان به دنبال گسترش حضور جهانی خود با افتتاح واحدهای جدید در دو کشور است. بلومبرگ با استناد به بیانیه شرکت گزارش داد، اقدام این شرکت هواپیمایی در راستای هدف آن برای تبدیل شدن به بزرگ ترین شرکت هواپیمایی ارزان قیمت خاورمیانه و یکی از پنج شرکت بزرگ در سطح جهان است. بلومبرگ نوشت: شرکت هواپیمایی ارزان قیمت فلائی ناس عربستان به دنبال گسترش حضور جهانی خود با افتتاح واحدهای جدید در دو کشور است. بلومبرگ با استناد به بیانیه شرکت گزارش داد، اقدام این شرکت هواپیمایی در راستای هدف آن برای تبدیل شدن به بزرگ ترین شرکت هواپیمایی ارزان قیمت خاورمیانه و یکی از پنج شرکت بزرگ در سطح جهان است. در ادامه این

عراق دومین تولیدکننده نفت اوپک شد



میانگین تولید نفت عراق در سال ۲۰۲۲ با افزایش ۹.۸۵ درصدی به ۴ میلیون و ۴۴۸ هزار بشکه در روز رسید. به گزارش «شفق نیوز» بر اساس گزارش ماهانه سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) میانگین تولید نفت عراق در سال ۲۰۲۲ با ۳۹۹ هزار بشکه افزایش به ۴ میلیون و ۴۴۸ هزار بشکه در روز رسید. طبق این گزارش، عراق در سال ۲۰۲۲ پس از عربستان به دومین تولیدکننده بزرگ نفت خام در میان ۱۳ عضو سازمان اوپک تبدیل شد. امارات با بیش از تولید بیش از ۳ میلیون بشکه در روز در رتبه سوم، کویت با ۲.۷ میلیون چهارم و ایران با ۲.۵۵ میلیون بشکه در روز در جایگاه پنجم تولید نفت اوپک است. میانگین تولید ۱۳ عضو اوپک در ماه گذشته با افزایش ۹۱ هزار بشکه‌ای نسبت به ماه قبلش، به ۲۸ میلیون و ۹۷۱ هزار بشکه در روز رسید.

ایران از آزادسازی ۳۰۰ میلیون یورو از منابع خود در عراق خبر داد



به گزارش ایرنا، بانک مرکزی اعلام کرد: پس از مذاکره با مقامات بانکی عراق و انجام گشایش‌های ارزی عرضه ارز در سامانه نیما، بعد از یک وقفه یک‌ساله امروز ۳۰۰ میلیون یورو از منابع بانک مرکزی در عراق در سامانه نیما فروخته شد و این رویه ادامه خواهد داشت. این مبلغ علاوه بر سایر تأمین ارزهای روزانه صورت گرفته در سامانه نیما است که آمار آن هرروز اعلام می‌شود. بر اساس این گزارش متعاقب سفر هیئت بانکی جاری ایران به عراق طی روزهای اخیر و انجام مذاکرات با بانک مرکزی عراق و یکی از بانک‌های تجاری زیرمجموعه، گشایش‌های ارزی جدیدی در زمینه استفاده از منابع موجود در آن کشور پس از بیش از یک سال وقفه دوباره از سر گرفته شد و طی روز جاری از همین محل بالغ بر ۳۰۰ میلیون یورو در سامانه نیما عرضه و به‌طور کامل فروش رفت. همچنین بازرگانان و تجار با این گشایش ارزی قادر خواهند بود تا ضمن تسریع در انجام فرایندهای تجاری و بانکی از محل منابع مربوطه در عراق تقاضاهای ارزی خود را جهت واردات کالاهای اساسی با سرعت بیشتر و به نحو مناسب‌تری پوشش دهند.

آمریکا: ایران مذاکرات احیای برجام را جدی نگرفته است



«جان کری» هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی آمریکا بار دیگر گفت که واشنگتن در حال حاضر روی مذاکره با ایران متمرکز نیست. کری بدون اشاره به وعده‌های کشورهای در قبال برجام و زیاده‌خواهی‌های این کشور در مذاکرات هسته‌ای، مدعی شد که ایران، این گفت‌وگوها را جدی نگرفته است. وی با اذعان به این که واشنگتن در حال حاضر روی دیپلماسی متمرکز نیست، گفت که بازگشت به برجام در آینده نزدیک محتمل نیست. پیش از این نیز، «کارین ژان پی‌یر» سخنگوی کاخ سفید با تکرار برخی مواضع مداخله‌جویانه گفته بود که تمرکز واشنگتن در حال حاضر روی وضعیت ناآرامی‌ها در ایران است نه مذاکرات هسته‌ای. وی با تکرار برخی ادعاها گفت که واشنگتن دیپلماسی را بهترین رویکرد در قبال برنامه هسته‌ای ایران می‌داند؛ ولی در حال حاضر، تمرکز واشنگتن بر وضعیت اعتراض‌ها در ایران است.

ایران سفیری در افغانستان ندارد



منبعی آگاه در دفتر ریاست جمهوری ایران در گفت‌وگو با میدل ایست نیوز گفت که حسن کاظمی قمی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل نیست و او با حفظ سمت «دستیار ویژه رئیس جمهوری در امور افغانستان» رئیس نمایندگی ایران در افغانستان است. بعد از سقوط کابل و به قدرت رسیدن طالبان در سال گذشته اکثر کشورهای جهان از جمله ایران حکومت کابل را به رسمیت نشناختند و به رسمیت شناختن آن را منوط به تشکیل دولت فراگیری کردند که شامل طیف‌ها و گروه‌های سیاسی افغانستان شود. پیش از این خبرگزاری فارس گزارش داده بود که حسن کاظمی قمی به‌عنوان سفیر ایران در کابل آغاز به کار کرده است.



اخبار حزبی



زهره رحیمی، عضو ارشد حزب اراده ملت ایران به حبس تعلیقی محکوم شد

زهره رحیمی آذرماه امسال با اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام احضار و به مدت سه روز بازداشت شد. در همین زمینه وسائل الکترونیکی و ارتباطی ایشان نیز برای تحقیقات اولیه توقیف گردید. در ادامه وی با قرار کفالت آزاد شد و پرونده ایشان در مراجع رسمی مورد بررسی قرار گرفت. پرونده ایشان در دی ماه در دادگاه شماره یک انقلاب همدان با ریاست قاضی نظری بررسی شد. قاضی ضمن استماع دفاعیات ایشان و وکیل شان، نهایتاً وی را برای اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به نه ماه حبس تعزیری محکوم نمودند. قاضی نظری با توجه به سوابق شغلی و نداشتن سابقه کیفری، این حبس را برای مدت ۵ سال به حالت تعلیق در آوردند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱

شیوه نقد درون تشکیلاتی به بحث گذاشته شد



شست و دومین جلسه هیئت دبیران حوزه‌ها برگزار شد. در این جلسه که با ریاست احمد حکیمی پور تشکیل شده بود در ابتدا دبیران حوزه‌ها گزارش‌های خود از حوزه‌های تحت نظر را ارائه دادند، سپس گزارشی از وضعیت اعضا جدیدالورود داده شد. طبق اطلاعات دریافتی در سه ماه اخیر بیش از ده درخواست عضویت به حزب رسیده است. اعضا جدید طبق روال در حوزه مقدماتی قرار می‌گیرند و بعد از طی شش ماه عضویت آزمایشی در صورتی که حائز شرایط ورود به حزب باشند به عضویت رسمی پذیرفته می‌شوند و در حوزه‌های بزرگ هشت گانه قرار می‌گیرند.

در این جلسه همچنین مجدداً در مورد شیوه نقد درون تشکیلاتی صحبت شد و مقرر گردید تا فرایند آن مستند گردد و به عنوان متنی آموزشی در اختیار اعضا قرار گیرد. در انتهای جلسه نیز تأکیدی بر خوانش جمعی مطالب نشریه حزب در جلسات حوزه صورت گرفت.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

با دریافت مجوز رسمی، کتاب راقمان انقلاب به چاپخانه ارسال گردید



در سال ۱۹۵۲ سلامه موسی، فعال سیاسی و روزنامه‌نگار مصری نتیجه سال‌ها تحقیق و پژوهش بر انقلاب‌های جهان و مصر را در قالب کتابی با عنوان الثورة منتشر کرد. این کتاب بلافاصله بعد از انتشار با استقبال کنشگران سیاسی دنیای عرب روبرو شد و به چاپ‌های متعدد رسید. اکنون و بعد از ۷۰ سال این کتاب موجز و ساده از زبان عربی به فارسی ترجمه شده است. مترجم جوان و خوش قریحه این کتاب، ادريس محمدی دبیر و مدرس زبان عربی هست. ایشان قبلاً کتاب جهنم مقدس اثر برهان شاوی را از زبان عربی به فارسی برگردانده بودند. کتاب راقمان انقلاب به زبانی ساده و به‌طور خلاصه انقلاب‌ها و جنبش‌های بزرگ جهان را تا نیمه قرن بیستم بررسی می‌کند و در کنار آن‌ها به تحلیل و بررسی چهار انقلاب معاصر مصر می‌پردازد.

دومین هم‌اندیشی هیئت تحریریه نشریه اراده ملت برگزار شد

با انتشار پنجاه و پنجمین شماره نشریه اراده ملت، اعضا هیئت تحریریه این نشریه جهت هم‌اندیشی و برنامه‌ریزی برای فصل دیگری از انتشار این نشریه گرد هم آمدند. در این جلسه سرویس‌های مختلف نشریه بررسی شد و راهکارهای ارتقا کمی و کیفی نشریه مورد توجه قرار گرفت.

لازم به ذکر است که نشریه اراده ملت از تیرماه سال ۱۳۹۷ منتشر می‌شود. سری اول این نشریه (تا شماره ۲۳) در قطع روزنامه‌ای و در ۸ صفحه منتشر می‌شد. اما از شماره ۲۴ و با الکترونیکی شدن نشریه، قطع آن به حالت مجله‌ای تغییر یافت. اکنون این نشریه در قطع رحلی کوچک (مجله‌ای کلاسیک) منتشر می‌شود. ترتیب انتشار نشریه فعلاً به صورت دوهفته‌نامه است و به‌طور منظم هر دو هفته یک‌بار روزهای چهارشنبه به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. نسخه الکترونیکی این نشریه از سایت و اپلیکیشن طاقچه قابل دسترسی است و تک‌تک مطالب آن در سایت رسمی نشریه www.eradehmellat.ir قرار می‌گیرد. در سایت نشریه این امکان برای مخاطبین وجود دارد تا نظر خود در مورد مطالب نشریه را ابراز نمایند.



سیاست به زبان خودمانی

طی چهار ماه اخیر تعدادی از افراد حاضر در تحرکات اخیر اجتماعی، درگیر فرایندهای مختلفی از جمله بازجویی، دستگیری و تعهد، بازداشت، توقیف تجهیزات الکترونیکی، بازرسی منزل، انواع حبس، وثیقه گذاری، پرداخت جریمه یا دیگر مجازات و احکام صادره از سوی نهادهای مختلف امنیتی و انتظامی و قضایی، شدند. حالا شاهد هستیم که در شبکه های مجازی از سوی افرادی که هر کدام در یکی از موقعیت های فوق قرار داشتند، انتقال تجارب و به دنبال آن توصیه هایی به دیگر افراد صورت می گیرد.

اما چرا در پذیرش درست این توصیه ها، باید محتاط و محافظه کار بود و آن ها را در حد روایت یک تجربه پاس داشت؟

ابتدا از اماواگرهای مقدماتی، مثل ناشناس بودن برخی از راویان و واعظین، همین طور عدم اطمینان از صحت و سقم و چندوچون روایت های آن ها می گذریم و فرض را بر تأیید و اطمینان از روایت تمام روایت کنندگان می گذاریم. پس از آن بسیار ابراز خشنودی می کنیم که با هر مانع و مشکل، فرصتی دست می دهد تا برخی آسیب دیدگان و متاثرین از اتفاقات ذکر شده، بتوانند تجارب و نظرات خود را به دیگران منتقل کنند.

اما از آنجاکه سیاست امری پیچیده است، سیاست ورزیدن نیز نیاز به ذهن های پیچیده و پردازش های پیچیده برای طی مسیری پیچیده دارد؛ لذا در سیاست نمی توان با استقبال از ساده سازی یا تقلیل گرایی، باهدف انتقال، دست به یکسان سازی مفاهیم و پدیده های پیچیده بزنیم و به سادگی نتیجه گیری کنیم. فرایند و سرنوشتی که افراد دخیل یا دستکم افراد متهم به دخالت در اعتراضات اخیر، تجربه می کنند، به عوامل و مؤلفه های مختلفی بستگی دارد. هر کدام از این عوامل از جمله اینکه در کدام استان، منطقه، شهر یا روستایی اتفاق افتاده است؛ برخورد انتظامی و امنیتی از سوی کدام نهاد صورت گرفته است؛ در معرض چه اتهاماتی قرار داشته اند؛ متهم چه کسی است و چه سوابقی از انواع کنش مدنی دارد؛ چندساله است؛ جنسیت و قومیت او چیست؛ فضای اجتماعی و سیاسی جامعه در چه وضعیتی است؛ دولت در چه موقعیتی در داخل و خارج است؛ در فرایند برخورد با فرد، وی چه رفتار و واکنشی با مسئولان و نیروهای امنیتی و انتظامی در پیش گرفته است؛ رسانه ای شدن یا نشدن خبر مربوط به فرد؛ آمادگی و برخورداری از توانایی و دانش و مهارت لازم در مدیریت مسائل؛ عضویت در تشکیلات رسمی؛ ویژگی های روان شناختی و جسمی فرد؛ ظرفیت فرد برای مواجهه با چالش یا مشکلی این چنین در زندگی خانوادگی؛ حتی فرد یا افراد مسئولی که در طی فرایند با آن ها مرتبط یا مواجه می شود؛ همه و همه بخشی از عواملی هستند که می تواند روی فرایند و سرنوشت پرونده وی تأثیر بگذارد؛ لذا انتقال تجارب اگر با اصرار بر ترسیم نمایی یکسان از قضیه و به دنبالش ارائه قاطع برخی توصیه ها، صورت گیرد؛ بی تردید از ناپختگی و بی تجربگی و ساده انگاری ناصح برمی خیزد و نیاز به تأمل گوینده و شنونده دارد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۵۶

۵ بهمن ماه سال ۱۴۰۱



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵



نمایندگی خادمی

شماره: ۱۱۰۰۶

بیمه‌دانا

بامابه خیر میگذرد

بیمه آتش سوزی / بیمه عمر، پس انداز / بیمه حوادث
بیمه بدنه اتومبیل / بیمه آتیه فرزندان / بیمه ثالث
بیمه خطرات مهندسی / بیمه مسئولیت کارفرما

مشاوره ۲۴ ساعته رایگان

بیمه‌های آزاد (مترو، توحید) اعتبار طبایان اسکلدری جنوبی، بن بست شیلی، پلاک ۱ واحد ۱

۰۹۱۲۲۲۰۵۱۶۲ * ۰۹۱۲۷۳۳۴۷۷۵ * ۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶

*** تخفیف ویژه جهت اعضای حامای یا معرفی توسط اعضا ***